



فصل چهارم

اروپا در قرون وسطا و عصر جدید

به دوره تقریباً هزار ساله‌ای از تاریخ اروپا که از اواخر قرن ۵م آغاز و تا اواخر قرن ۱۵م ادامه یافت، قرون وسطا یا میانه گفته می‌شود. این دوره تقریباً با سده‌های اول تا دهم هجری قمری مقارن است. دوره پس از قرون وسطا، عصر جدید (۱۵۰۰ - ۱۸۰۰م) نامیده می‌شود. در قرون وسطا و عصر جدید، سرزمین‌های اروپایی با دگرگونی‌های فکری، فرهنگی و مذهبی عمیق و تغییر و تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی گسترده‌ای مواجه شد. در این فصل شما علل، آثار و نتایج مهم‌ترین تحولات سیاسی، دینی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی اروپا را در قرون وسطا و عصر جدید بررسی و تحلیل خواهید کرد.

در قرون وسطا، رویدادها و تحولات متعددی در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی به وقوع پیوست که بر سرنوشت اروپا و دیگر مناطق جهان تأثیر گذاشت. در این درس، شما علل و نتایج مهم‌ترین این رویدادها و تحولات را بررسی و تجزیه و تحلیل خواهید کرد.

تحولات سیاسی و اجتماعی

فعالیت ۱

با راهنمایی دبیر، نمونه‌هایی از دستاوردهای برجسته تمدن یونان و روم باستان را که در کتاب تاریخ ۱ خواندید به خاطر آورید و بازگو نمایید.

امپراتوری روم شرقی (بیزانس)

در قرن ۴م، امپراتوری روم بر اثر مشکلات اداری و اقتصادی به دو بخش شرقی و غربی تقسیم شد. امپراتوری روم شرقی یا بیزانس که از اقتصاد و ارتش و به خصوص نیروی دریایی نسبتاً نیرومندی برخوردار بود، در برابر حملات پیاپی سپاهیان مسلمان، با وجود از دست دادن سرزمین‌های آفریقایی و بخش وسیعی از قلمرو آسیایی خود، همچنان دوام آورد. قسطنطنیه، پایتخت امپراتوری بیزانس، به سبب برخورداری از موقعیت جغرافیایی و ارتباطی ویژه و داشتن باروهای دفاعی مستحکم، پایگاه مهمی برای تسلط آن امپراتوری بر ولایات تابع و حفاظت از راه‌های مهم تجارتي به شمار می‌رفت. امپراتوری روم شرقی، سرانجام با فتح قسطنطنیه (۱۴۵۳م/۸۵۷ق) توسط ترکان مسلمان عثمانی متلاشی شد.



کلیسای ایاصوفیه، شاهکار معماری دوران بیزانس - استانبول

کاوش خارج از کلاس

با استفاده از منابعی که دبیر معرفی می‌کند، به صورت گروهی در باره فتح قسطنطنیه توسط سلطان محمد فاتح تحقیق نمایید و گزارشی از این رویداد مهم تاریخی تهیه و در کلاس بخوانید.

تهاجم ژرمن‌ها به امپراتوری روم غربی

برخلاف امپراتوری بیزانس، امپراتوری روم غربی نتوانست در برابر سیل تهاجم دسته‌های ژرمن در سده‌های ۵ و ۶ ایستادگی کند و فروپاشید.

بیشتر بدانیم



پیشینه ژرمن‌ها

ژرمن‌ها شاخه‌ای از اقوام هند و اروپایی بودند که در جنوب شبه‌جزیره اسکانداویوی و سواحل دریاهای بالتیک و شمال به صورت خانه به دوش می‌زیستند و از طریق ماهی‌گیری و شکار امرار معاش می‌کردند. در حدود ۱۰۰۰ ق.م برخی از طوایف ژرمن، احتمالاً به دلیل سرما و یخبندان و کمبود مواد غذایی به مناطق جنوبی‌تر مهاجرت کردند و در ناحیه‌ای که کشورهای کنونی آلمان، لهستان، اتریش و سویس قرار دارند، استقرار یافتند. پس از آنکه امپراتوری روم باستان قلمرو خود را به مرکز اروپا گسترش داد و بر سرزمین گل (فرانسه و بلژیک) تسلط یافت، با ژرمن‌ها برخورد کرد. رومیان، ژرمن‌ها را به خاطر اینکه خواندن و نوشتن نمی‌دانستند و با تمدن بیگانه بودند، بربر می‌خواندند. در خلال سده‌های دوم و سوم میلادی، دسته‌هایی از ژرمن‌ها به امپراتوری روم سوگند وفاداری یاد کردند و متعهد شدند که از مرزهای شمالی روم، در برابر دریافت زمین دفاع کنند. ژرمن‌ها شامل دسته‌های مختلفی بودند که مهم‌ترین آنها آنگل‌ها، ساکسون‌ها، فرانک‌ها، واندال‌ها، استروگوت‌ها (گوت‌های شرقی) و ویزیگوت‌ها (گوت‌های غربی) بودند. اگرچه امروزه واژه ژرمن به مردم آلمان اطلاق می‌شود، اما ساکنان بسیاری از کشورهای اروپایی از جمله انگلستان، فرانسه، هلند، اسپانیا، ایتالیا و ... و نیز مهاجران اروپایی که ایالات متحده آمریکا را به وجود آوردند، ریشه و تبار ژرمنی دارند.

زندگی روستائینی شد. بیشتر شهرهای اروپای غربی که بر پایه تجارت رونق گرفته بودند به سرعت رو به انحطاط نهادند و متروکه شدند. بازرگانان و صنعتگران شغل خود را رها کردند و به مکان‌های امن گریختند. تعلیم و تربیت و فعالیت‌های فرهنگی از رونق افتاد و بیشتر مدارس تعطیل شد. به مرور زمان علوم، ادبیات، معماری و هنر یونانی و رومی از یاد رفت.

قلمرو امپراتوری روم غربی پس از فروپاشی، به چندین سرزمین جدا از هم تجزیه شد که بر هر یک از آنها یکی از دسته‌های ژرمن حکومت می‌کرد. (به نقشه صفحه بعد بنگرید) تهاجم ژرمن‌ها به امپراتوری روم غربی از نظر اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز آثار و پیامدهای زیادی داشت. این یورش‌ها موجب افول شهرنشینی، رکود تجارت و گسترش



نقشهٔ سیاسی اروپا در سال ۵۲۶ م

فعالیت ۲

با بررسی نقشهٔ فوق بگوئید بر هر یک از کشورها یا مناطق زیر کدام یک از دسته‌های ژرمن تسلط یافتند؟

فرانسه : انگلستان : آلمان : ایتالیا : اسپانیا :

پادشاهی شارلمانی و امپراتوری مقدس روم

فرانک‌ها، دسته‌ای از ژرمن‌ها بودند که با تصرف سرزمین گُل، حکومت خود را بنیان نهادند. آنان پس از گرویدن به دین مسیحیت و اتحاد با کلیسای رم، قلمرو خود را به سرزمین‌های مجاور گسترش دادند. پادشاهی فرانک‌ها در زمان شارل بزرگ مشهور به شارلمانی (ح ۷۶۸-۸۱۴م)، به اوج قدرت رسید.

بیشتر بدانیم



اقدامات پدر و نیای شارلمانی

نیای شارلمانی، شارل مارتل، فرمانده مسیحیانی بود که در سال ۷۳۲م/۱۱۴ق سپاهیان مسلمان را که از طریق اندلس به سرزمین فرانک‌ها حمله کرده بودند، در پواتیه شکست داد و مانع گسترش بیشتر اسلام در اروپا شد. پپین، پسر شارل مارتل و پدر شارلمانی، به درخواست پاپ به مقابله با اُمباردها (گروه دیگری از ژرمن‌ها) شتافت که رم را مورد حمله قرار داده بودند. پاپ در سال ۷۵۴م بر سر پپین به عنوان «شاه مورد تأیید خداوند»، تاج گذاشت. پپین پس از شکست اُمباردها، زمین‌های اطراف رم را به پاپ داد و پاپ‌ها تا ۱۸۷۰م بر آن زمین‌ها حاکم بودند (ئی.دان و دیگران، تاریخ تمدن و فرهنگ جهان، ج ۲، ص ۱۷۲-۱۷۳).



نقشه سیاسی اروپا در قرن ۸ م

فعالیت ۳

از طریق مقایسه نقشه قلمرو شارلمانی با نقشه سیاسی کنونی قاره اروپا، بگویند قلمرو شارلمانی شامل کدام یک از کشورهای امروزی اروپا می‌شده است؟

شارلمانی با جنگ‌های بی‌دری که با خونریزی بسیار همراه بود، بخش اعظم اروپای غربی و مرکزی را تا سال ۸۰۰ م تحت سلطه خود درآورد.

شارلمانی همچون پدر و نیای خود با پاپ متحد شد و از او در برابر دشمنان و رقیبانش پشتیبانی کرد. پاپ نیز لقب «امپراتور مقدس روم» را به او داد.

شارلمانی برای اداره قلمرو خود، نهاد اداری دوران امپراتوری روم موسوم به کومیس^۱ یا کنت را احیا کرد. کنت‌ها به عنوان نماینده پادشاه، مناطق مختلف امپراتوری فرانک‌ها را اداره می‌کردند. وی همچنین مأموران ویژه‌ای را برای نظارت دقیق بر عملکرد کنت‌ها برگزید که مستقیماً به پادشاه گزارش می‌دادند.

گسترش و تحکیم نظام فئودالیسم^۲

پس از انقراض امپراتوری شارلمانی در اوایل قرن ۹ م، هرج و مرج اروپا را فرا گرفت و حملات طوایف غیر متمدن از شرق و شمال^۳ موجب گسترش ناامنی شد. پادشاهان به دلیل ناتوانی در تأمین هزینه ارتش، قادر به حفظ اقتدار و امنیت قلمرو خود نبودند. به همین دلیل اربابان (زمین داران بزرگ)، از جمله شاهان، درصد برآمدند قسمتی‌هایی از زمین‌ها و املاک خود را در برابر دریافت

۱- Comes

۲- Feodalism.

۳- مجارها و وایکینگ‌ها



قلعه اوراوا - اسلواکی

خدمات نظامی و غیرنظامی به زیردستان و یا اشراف درجه دوم واگذار کنند. اشراف درجه دوم هم به نوبه خود همین کار را با زیردستان خود کردند و سلسله مراتبی از ارباب یا فئودال و باجگزار یا واسال^۱ به وجود آمد. واسال به ارباب خود سوگند وفاداری یاد می‌کرد و موظف بود که هنگام جنگ او را یاری دهد، از کاخ و کوشک او حفاظت نماید و به او عوارض و مالیات بپردازد.

بدین‌گونه اربابان یا فئودال‌ها کلیه حقوقی را که خاص شاهان بود، تصاحب کردند، به این معنا که از زیردستان خود مالیات می‌گرفتند، به قضاوت می‌پرداختند و حتی بعضی از آنان حکم اعدام صادر می‌کردند. آنان همچنین حق اعلان جنگ و صلح داشتند و پرچم و لوای مخصوص به خود داشتند. نظام فئودالیسم باعث شد که قدرت سیاسی میان فئودال‌ها یا زمین‌داران بزرگ و کوچک تقسیم شود. فئودال‌ها در قلعه‌های عظیم که به مثابه پایتخت آنان به‌شمار می‌رفت، مستقر بودند.

بیشتر بدانیم



شوالیه‌ها و آداب شوالیه‌گری

شوالیه یا شهبسوار، یکی از درجات تشریفاتی در قرون وسطا بود که به خاندان‌های اشرافی و ثروتمند تعلق می‌گرفت. شوالیه‌ها اغلب سواره نظامان شجاع و سلحشوری بودند که برای کشور و سرزمین خود افتخار کسب می‌کردند. شوالیه‌گری تربیت، آداب و رسوم خاص خود داشت. پسران اشراف و نجبا، تربیت شهبسواری و آموختن اخلاق و آداب شوالیه‌گری را از کودکی آغاز می‌کردند. آنان از هفت سالگی آداب سوارکاری و فنون نظامی می‌آموختند و در حدود ۱۴ سالگی به مقام سپردار (اسکویئر) می‌رسیدند و در خدمت یکی از شهبسواران قرار می‌گرفتند. وظیفه سپردار، نگهداری از اسب و جنگ‌افزارهای شهبسوار بود و برای اثبات شایستگی خود در نبرد، شهبسوار را همراهی می‌کرد. سپردار در حدود ۲۱ سالگی به مقام شوالیه‌گری می‌رسید. آیین شهبسواری علاوه بر شجاعت و قدرت جنگاوری، بر فضیلت‌های زهد و پارسایی مسیحی و انجام خدمات عمومی نیز تأکید می‌ورزید. اسب نماد پایگاه اجتماعی شوالیه‌ها به‌شمار می‌رفت.



تابلوی سرکوب شورش کشاورزان توسط اربابان در قرن ۱۴م - انگلستان

وضعیت و موقعیت سرف‌ها؛ در قرون وسطا کار بر روی زمین‌های اربابان (فتودال‌ها) به عهدهٔ میلیون‌ها کشاورز وابسته به زمین بود که به آنها سرف می‌گفتند. گروهی از سرف‌ها، کشاورزان آزادی بودند که به علت بدهکاری سرف شدند. همچنین عده‌ای از کشاورزان به خاطر ناامنی و هرج و مرج زمین خود را به فرد نیرومندی واگذار کردند و در عوض آن از حمایت او برخوردار شدند. سرف‌ها در پایین‌ترین مرتبهٔ اجتماعی نظام فتودالی قرار داشتند. سرف اجازه نداشت که ملک ارباب خود را ترک کند، اما در عین حال مانند برده نیز نبود که قابل خرید و فروش باشد.

فعالیت ۳

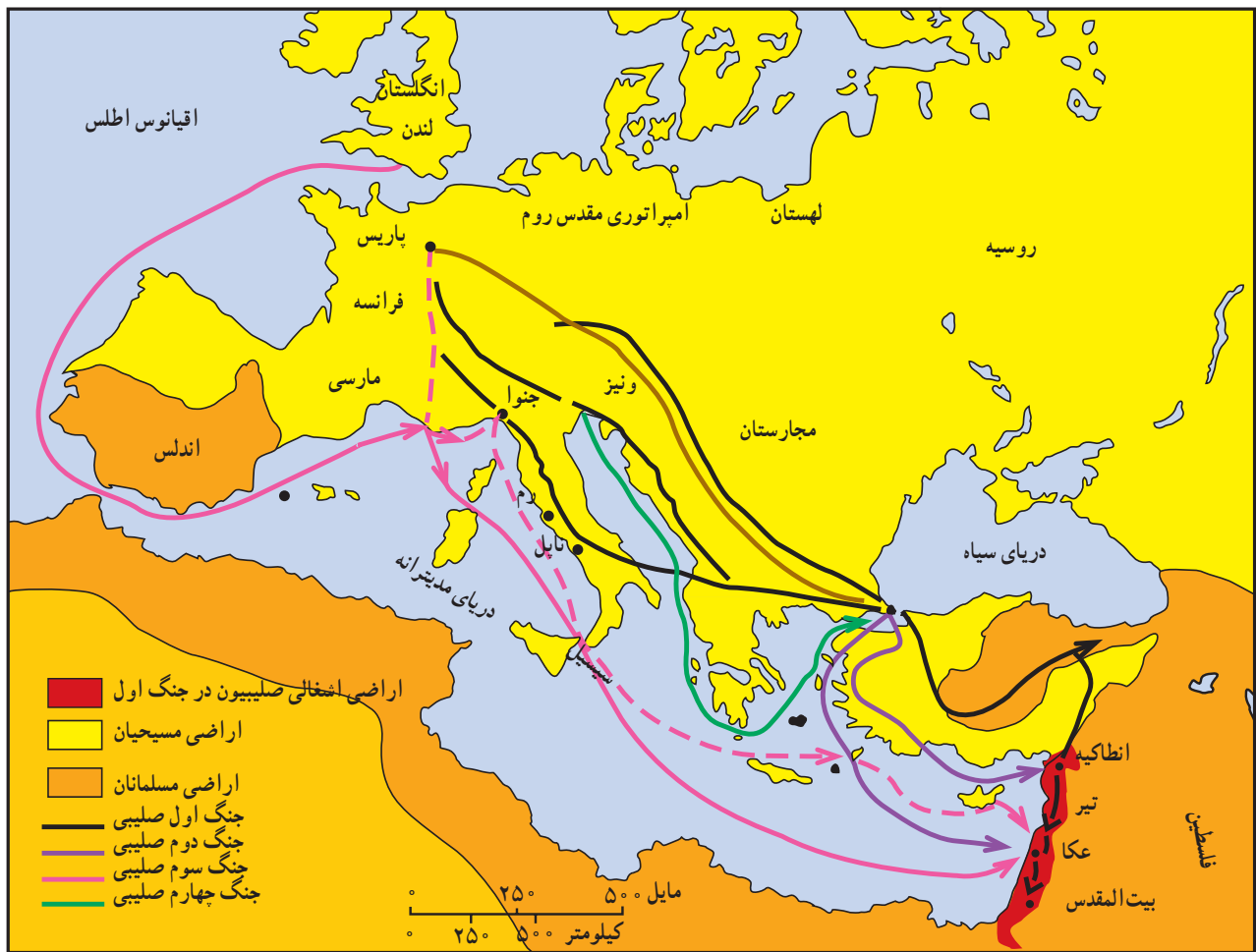
بررسی شواهد و مدارک

متن زیر را بخوانید و با هم فکری: الف) برداشت و تحلیل خود را از نقش و اهمیت «قانون» در اروپای قرون وسطا بیان کنید. ب) توضیح دهید که این جملهٔ حقوق‌دانان قرون وسطا: «هوای شهر، آزادی‌سازی» است، چه ارتباطی با متن دارد؟ رهایی از قید و بندهای نظام سرفی غیرممکن نبود. ساده و رایج‌ترین طریق آزادی، فرار از ملک اربابی و زندگی در جای دیگری مانند شهر بود. چنانچه اشخاصی ثابت می‌کردند که یک سال و یک روز در شهر سکونت داشته‌اند، از نظر قانون آزاد محسوب می‌شدند. علاوه بر آن، برخی از سرف‌ها با پرداخت بدهی، انجام خدمات شایسته و یا با اجازهٔ ارباب، آزادی خود را به دست می‌آوردند (آدلر، فیلیپ جی، تمدن‌های عالم، ج ۱، ص ۳۳۲).

کشاورزی در قرون وسطا: در طول قرون وسطا کشاورزی پیوسته پیشرفت کرد، اما این پیشرفت چندان محسوس نبود. اختراع خیش آهنی، بهره‌گیری وسیع از اسب در امور زراعی و استفادهٔ درست از کود حیوانی موجب بهبود کشاورزی و افزایش محصول شد. با این حال، افزایش میزان تولید محصول همچنان محدود بود؛ زیرا هر سال حدود یک سوم تانیمی از زمین به منظور بازیابی قوت زمین زیرکشت نمی‌رفت. قحطی و گرسنگی به کزات اتفاق می‌افتاد و وضعیت نامناسب جاده‌ها و حمل و نقل موجب تشدید آن می‌شد.

جنگ‌های صلیبی^۱

جنگ‌های صلیبی به سلسله‌ای از جنگ‌ها گفته می‌شود که مسیحیان به دعوت پاپ و به فرماندهی شاهان و اشراف اروپایی علیه مسلمانان بر پا کردند. این جنگ‌ها حدود دویست سال (۱۰۹۶م/ ۴۹۰ق - ۱۲۹۱م/ ۶۹۰ق) طول کشید و چون مسیحیان شرکت‌کننده در آن، نشان صلیب را بر لباس و پرچم‌های خود نصب کرده بودند، به جنگ‌های صلیبی مشهور شد.



نقشه جنگ‌های صلیبی

علل و عوامل؛ مجموعه‌ای از علل و عوامل مختلف دینی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در بروز جنگ‌های صلیبی نقش داشت.

۱- مشکلات اقتصادی و اجتماعی سرزمین‌های اروپایی: به دنبال هجوم و مهاجرت گسترده طوایف ژرمنی به سرزمین‌های



پاپ اوربان دوم هنگام موعظه و تشویق مسیحیان برای شرکت در جنگ‌های صلیبی - اثر جین کلمبو نقاش فرانسوی قرن ۱۵م

اروپای غربی و رکود و تعطیلی فعالیت‌های تجاری و کارگاهی، این سرزمین‌ها با مشکلات اقتصادی و اجتماعی متعددی همچون افزایش جمعیت، بیکاری، فقر و کمبود مواد غذایی مواجه شده بود. از این رو، پادشاهان و فئودال‌ها به منظور کاهش مشکلات اقتصادی و اجتماعی قلمرو خود، تلاش می‌کردند تا مردم را تشویق کنند که برای شرکت در جنگ‌های مذهبی راهی سرزمین‌های دور دست شوند. در آن زمان، گروهی از اروپاییان که به عنوان زائر به بیت‌المقدس رفت و آمد داشتند، آوازه ثروت، رفاه و رونق سرزمین‌های اسلامی را به گوش دیگران رسانیده بودند.

۲- به خطر افتادن موجودیت امپراتوری بیزانس:

پیروزی سلجوقیان بر امپراتوری بیزانس در جنگ ملازگرد



تابلوی فرمانده شکست خورده صلیبیون در برابر صلاح الدین

(۴۶۳ق/ ۷۱۰م) و پیشروی آنان در آسیای صغیر، موجب شد که امپراتور روم شرقی از پاپ، علیه مسلمانان درخواست کمک نماید. در پی این تقاضا، پاپ اوربان دوم مسیحیان را به حمله به سرزمین‌های اسلامی و جنگ با مسلمانان فرا خواند.

۳- موفقیت‌های نظامی مسیحیان در اندلس: در قرن ۱۱م، به دلیل ضعف و اختلافات داخلی حاکمان مسلمان در اندلس، مسیحیان توانستند بخش‌های وسیعی از آن سرزمین را به تصرف خود درآورند. این پیروزی‌ها، انگیزه و روحیه صلیبیان را برای شرکت در نبرد علیه مسلمانان که از سوی کلیسا جنگ مقدس اعلام شده بود، دوچندان کرد.

روند جنگ‌های صلیبی؛ صلیبیان در نخستین جنگ صلیبی با استفاده از غفلت حکومت سلجوقی و اختلاف و دشمنی‌هایی که میان خلافت‌های فاطمیان و عباسیان وجود داشت، شهر بیت المقدس و چند شهر دیگر منطقه شام در سواحل شرقی مدیترانه را تصرف کردند (۱۰۹۹م/ ۴۹۳ق) و ساکنان مسلمان و یهودی آن شهرها را از دم تیغ گذراندند.

پس از آنکه صلاح الدین ایوبی، سردار کُرْد مسلمان، بیت المقدس را از اشغال صلیبیان آزاد کرد (۵۸۳ق/ ۱۱۸۷م)، پادشاهان، فتوادل‌ها و شوالیه‌های اروپایی به تشویق پاپ چندین جنگ دیگر را به راه انداختند، اما توفیقی نصیب آنان نشد. جنگ‌های صلیبی سرانجام با پیروزی مسلمانان و بیرون راندن صلیبیان از آخرین پایگاهشان در سواحل شام به پایان رسید (۱۲۹۱م/ ۶۹۰ق). آثار و پیامدهای جنگ‌های صلیبی؛ اگرچه مسلمانان در جنگ‌های صلیبی پیروز شدند و توانستند سرزمین‌های خود را حفظ کنند، اما از آنجایی که میدان‌های جنگ، در بخشی از قلمرو اسلامی یعنی فلسطین، شام و مصر واقع بود، آسیب و خسارت‌های جانی و مالی فراوانی برای ساکنان این مناطق به بار آورد.

در مقابل، صلیبیان اگرچه در جنگ‌های صلیبی به لحاظ سیاسی و نظامی شکست خوردند، اما بهره‌های اقتصادی، فرهنگی و علمی فراوانی از این جنگ‌ها بردند. اروپاییان که در آن زمان از نظر پیشرفت‌های علمی و فرهنگی و رفاه اقتصادی در سطح بسیار پایین‌تری از مسلمانان و دیگر مردمان مشرق‌زمین به سر می‌بردند، در نتیجه این جنگ‌ها با تمدن باشکوه اسلامی آشنا شدند. در حقیقت جنگ‌های صلیبی زمینه‌ساز انتقال دستاوردهای گوناگون تمدن اسلامی به خصوص دستاوردهای علمی مسلمانان به اروپا شد. بر اثر این جنگ‌ها، اطلاعات جغرافیایی اروپاییان افزایش یافت و بنادر مهم اروپایی در دریای مدیترانه از نو شکوفا شدند و دوباره رونق گرفتند.

پیدایش پادشاهی‌های قدرتمند

تقویت شد و قدرت اشراف فتودال به طرز چشمگیری کاهش یافت. بازرگانان و صنعتگران در این کار از شاه پشتیبانی می‌کردند؛ زیرا حکومت مرکزی مقتدر از طریق برقراری نظم و امنیت، وحدت اداری و یکسان‌سازی قوانین، شرایط مساعدی برای توسعه تجارت و صنعت فراهم می‌آورد.

در سده‌های ۱۲ و ۱۳م با احیای شهرها و رشد تجارت، به تدریج شاهان نیرومندی در اروپا به ویژه در انگلستان و فرانسه بر سر کار آمدند. این فرمانروایان به منظور ایجاد تمرکز و کاهش وابستگی به نیروی نظامی فتودال‌ها، اقدام به تشکیل ارتش منظم و دائمی کردند. در نتیجه این اقدام، حکومت مرکزی

بیشتر بدانیم



جنگ‌های صدساله و پیامدهای آن

یکی از رویدادهای مهم اواخر قرون وسطا، وقوع جنگ طولانی میان فرانسه و انگلستان بود (۱۳۳۷-۱۴۵۳م) که به جنگ‌های صدساله معروف شد. این جنگ‌ها بر سر مناطقی از شمال فرانسه که در تصرف انگلستان بود، آغاز شد. در جریان جنگ‌های صدساله، دختری روستایی به نام ژاندارک با انگلیسی‌ها به نبرد برخاست و به قهرمان ملی فرانسویان تبدیل شد. در پایان این جنگ‌ها، انگلستان تمامی متصرفاتی را که در فرانسه داشت، از دست داد.

جنگ‌های صدساله به اعتبار و اهمیت شوالیه‌ها در اروپا آسیب جدی وارد آورد؛ زیرا در طول این جنگ‌ها، روش‌های جنگ تغییر کرد. سواره‌نظام سنگین اسلحه یا شهسواران اهمیت خود را در جنگ‌ها از دست دادند و پیاده‌نظام مجهز به تفنگ و برخوردار از پشتیبانی توپخانه به نیروی کارآمد میدان نبرد تبدیل شد. استفاده از باروت که از چین به اروپا وارد شده بود، نقش زیادی در ساخت سلاح‌های آتشین (تفنگ و توپ) توسط اروپاییان داشت.



تابلوی ژاندارک قهرمان ملی فرانسه



تابلوی جنگ‌های صدساله - محاصره اورلئان

کلیسا و تحولات آن

جایگاه و موقعیت کلیسا

با گسترش مسیحیت و افزایش شمار مسیحیان در قلمرو امپراتوری روم، کلیساهای متعددی در سراسر آن امپراتوری سر برآوردند. در قرون وسطا هیچ نهادی به اندازه کلیسا تأثیرگذار نبود. تمام کسانی که در خانواده مسیحی به دنیا می‌آمدند، به این نهاد قدرتمند تعلق داشتند. کلیسا بر تمام جنبه‌های زندگی مسیحیان اعمال نفوذ و نظارت می‌کرد. در سده‌های میانه مقام‌های کلیسا هدایت جریان



تابلوی قدیس سن دومینیک در حال نظارت بر سوزاندن کتاب‌های بدعت آمیز

فکر و فرهنگ را به دست گرفتند و کلام، فلسفه، اخلاق، ادبیات و هنر را مطابق میل و سلیقه خود تعلیم می‌دادند. آنان تفسیر کتاب مقدس را حق انحصاری خود می‌شمردند و اجازه نمی‌دادند که این کتاب جز به زبان لاتین به زبان‌های دیگری ترجمه و منتشر شود. کلیسا همچنین در قرون وسطا موفقیت زیادی در گسترش مسیحیت در میان ژرمن‌ها و سایر اقوام مهاجم به اروپا کسب کرد. علاوه بر اینها، کلیسا دارای املاک و زمین‌های بسیاری در سرتاسر اروپا و به خصوص ایتالیا بود. رسم بخشش گناهان از جمله رسوم دینی بود که نفوذ و تأثیر گسترده کلیسا را در قرون وسطا نشان می‌دهد. بدین منظور شخص گناهکار در برابر کشیش به گناه خود اعتراف می‌کرد و خواهان بخشش می‌شد. معمولاً بخشش خواهان برای لغو کیفر گناهان خویش پولی را پرداخت می‌کردند که برای کارهای خیر و عام‌المنفعه مانند ساخت و تعمیر کلیسا، بیمارستان، سدها و جاده‌ها مصرف می‌شد.

کلیسا در قرون وسطا برای مقابله با بی‌دینی و بدعت‌گذاری^۱ و جلوگیری از اندیشه‌های مخالفان خود، از حربۀ تفتیش عقاید یا انکیزیسیون^۲ استفاده می‌کرد. متهمان به بی‌دینی و بدعت‌گذاری از کلیسا اخراج و به سختی مجازات می‌شدند. تبعید، مصادرة دارایی، به چوب بستن و سوزاندن از جمله مجازات‌های این گونه متهمان بود.



تابلوی گالیله در دادگاه تفتیش عقاید؛ او برای حفظ جان خود ناچار شد از عقاید علمی خود عقب‌نشینی نماید.

فکر کنیم و پاسخ دهیم

به نظر شما چرا کلیسا در قرون وسطا با وجود اینکه معتقد بود اجبار در دین مجاز نیست، به حربه تفتیش عقاید متوسل شد؟
آیا این گونه اقدامها در درازمدت به سود کلیسا و دین مسیحیت بود؟ برای پاسخ خود استدلال نمایید.

تشکیلات کلیسا

کلیسا برای انجام رسالت خود به عنوان معلم دین و اخلاق و برگزار کننده مراسم و شعائر دینی، تشکیلات پیچیده ای ایجاد کرد. این تشکیلات توسط گروهی از مقام های کلیسا که دارای سلسله مراتب مشخصی بودند، اداره می شد.

بیشتر بدانیم



سلسله مراتب کلیسا

پاپ یا اسقف رم بالاترین و مهم ترین مقام و جایگاه را در تشکیلات کلیسا داشت و دارای نفوذ و قدرت فراوانی در میان مسیحیان بود. اداره امور دینی هر یک از نواحی مختلف سرزمین های مسیحی که به آنها اسقف نشین یا اسقفیه می گفتند در اختیار اسقف بود. اسقف ها مسئولیت اداره املاک کلیسا و سرپرستی کشیشان بخش ها و روستاها را در ناحیه تحت اختیار خود بر عهده داشتند. چند اسقف نشین بر روی هم سراسقف نشین را تشکیل می دادند که سراسقف بر آن ریاست می کرد. در تشکیلات کلیسا، کلیسای روستا، کوچک ترین واحد به شمار می رفت که توسط کشیش اداره می شد. به طور کلی هر ملک اربابی دارای کلیسایی بود. کشیش ها معمولاً افراد کم سواد و یا بی سواد بودند که اداره مراسم دینی و مراقبت از اموال و املاک کلیساها را در روستا بر عهده داشتند.

سلسله مراتب کلیسا را به ترتیب اهمیت در جدول بالا بنویسید.



تابلوی تاج گذاری شارلمانی توسط پاپ لئوی سوم (عید کریسمس ۸۰۰ م)

پاپها و پادشاهان

روابط کلیسا با شاهان و فئودال ها در قرون وسطا آمیزه ای از اتحاد و همکاری و رقابت و کشمکش بر سر قدرت بود. در سده های نخستین قرون وسطا، پاپها از طریق همکاری و اتحاد با شاهان و اشراف اروپای غربی، تلاش های سیاسی و نظامی امپراتوری بیزانس را برای تسلط بر کلیسای رم ناکام گذاشتند.

پس از مرگ شارلمانی (۸۱۴م)، اسقف‌ها و پاپ به سبب آشفتگی اوضاع، مدعی حقوق سیاسی و قدرت دنیوی شدند و در مواقعی با شاهان و امپراتوران به رقابت و کشمکش پرداختند. در سده‌های ۱۱ و ۱۲م اختلاف و درگیری شدیدی میان پاپ و امپراتور آلمان (امپراتور مقدس روم) بر سر انتصاب اسقف‌ها و اعطای حلقه و عصای اسقفی به وجود آمد.

فعالیت ۴

بررسی شواهد و مدارک

پاپ بونیفاس هشتم^۱ (۱۲۹۴-۱۳۰۲م) که با فیلیپ چهارم (شاه فرانسه از ۱۲۸۵ تا ۱۳۱۴م) اختلاف و درگیری شدیدی پیدا کرده بود، بیانیه مهمی را صادر کرد. این بیانیه یکی از گویاترین اسناد سیاسی قرون وسطا به شمار می‌رود. بخش‌هایی از بیانیه مذکور را بخوانید و به پرسش‌های مربوط به آن پاسخ دهید.

«... ما قاطعانه معتقدیم و کاملاً معترفیم که فقط یک کلیسا... وجود دارد و بیرون از آن، نه رستگاری هست و نه آمرزش گناهان... کلام انجیل بشارت‌دهنده به ما می‌گوید که در مه‌اش دو شمشیر هست، یکی دینی و دیگری دنیوی... بنابراین هر دو شمشیر روحی و مادی در اختیار کلیسا هستند؛ در واقع یکی به خاطر کلیسا آن را به کار می‌برد و دیگری به وسیله خود کلیسا استفاده می‌شود. یکی در دست روحانی است و دیگری در دست شاهان و شهبازان که فقط به اراده و رضایت ضمنی شمشیر روحانی به کار برده می‌شود. به علاوه، یک شمشیر وظیفه دارد تابع شمشیر دیگری باشد؛ قدرت دنیوی وظیفه دارد تا از قدرت مذهبی تبعیت کند...»

در واقع ما اعلام می‌کنیم و به صراحت می‌گوییم همه مخلوقات خدا برای رستگاری خود می‌باید مطیع پاپ رم باشند» (فوگل، تمدن مغرب زمین، ج ۱، ص ۵۰۴).

۱- به نظر شما چرا این متن برای مورخان ارزشمند است و در شناخت و تحلیل چه مسائل و موضوعاتی به آنان کمک می‌کند؟

۲- این متن چه دیدگاه و نگرشی را در خصوص رابطه نهاد مذهب با نهاد سیاست بیان می‌کند؟

۳- برداشت و قضاوت شما از واژه «رمة» و جمله «همه مخلوقات خدا برای رستگاری می‌باید مطیع پاپ رم باشند» در متن بالا چیست؟

۱- Boniface VIII

علم و آموزش

در نیمه نخست قرون وسطا به دلیل افول شهرها، فعالیت‌های علمی و فرهنگی کساد و بی‌رونق شده و عمده آموزش به تربیت کشیشان و مبلغان مذهبی اختصاص یافت و به طور کلی کلیسا تسلط کاملی بر فرهنگ و نظام تعلیم و تربیت داشت. در میان فرمانروایان آن عصر، شارلمانی علاقه و توجه خاصی به دانش و تعلیم و تربیت نشان داد. او مدرسه‌ای در کاخ سلطنتی در پایتخت خود تأسیس نمود و علمای مسیحی را از انگلستان، ایرلند و ایتالیا برای مطالعه و تدریس در آن مدرسه دعوت کرد. در نیمه دوم قرون وسطا به ویژه بعد از جنگ‌های صلیبی، به سبب رونق شهرهای اروپایی و افزایش ثروت و رشد جمعیت شهری، نیاز به علم و آموزش بیشتر شد. پادشاهان، فتودال‌ها، کلیسا و بازرگانان نیازمند افراد باسواد و حساب‌دان بودند. همچنین در آن دوره ضرورت وجود حقوق‌دانان برای حل و فصل دعاوی بیش از گذشته احساس می‌شد.



مدرسه‌های حقوق و طب از نخستین مراکز آموزش عالی اروپایی بودند که در ایتالیا گشایش یافتند (قرن ۱۱م). پس از آن به تدریج مدارس و دانشگاه‌ها توسعه پیدا کردند. کتاب قانون ابن‌سینا در پزشکی از متون اصلی آن دانشگاه‌ها بود. دانشگاه پاریس نیز به فرمان پادشاه فرانسه تأسیس شد (۱۲۰۰م). طالبان علم در این دانشگاه به تحصیل حقوق، فلسفه و الهیات مسیحی می‌پرداختند.

در آن زمان آموزش رسمی به زبان لاتینی بود و بر موضوع‌های الهیات مسیحی، فلسفه و منطق تأکید می‌شد و به علوم تجربی و مهندسی توجهی نمی‌شد.

دانشمندان اروپایی در قرون وسطا از طریق ترجمه آثار و نوشته‌های فیلسوفان مسلمان مانند ابوعلی سینا و ابن‌رشد با اندیشه‌های فلسفی

فیلسوفان بزرگ یونان باستان همچون ارسطو،

نقشه دانشگاه‌های اروپا در سده‌های ۱۳ و ۱۴ م
 افلاطون و... آشنا شدند. توماس آکویناس^۱، برجسته‌ترین فیلسوف اروپایی در سده‌های ۱۲ و ۱۳م بود که در یکی از مهم‌ترین کتاب‌های خود با عنوان اصول الهیات از برهان‌های ارسطو برای اثبات خدا استفاده کرد. نظریات فلسفی او تا قرن‌ها به عنوان فلسفه رسمی کلیسای کاتولیک به شمار می‌رفت.

پرسش‌های نمونه

- ۱ مهم‌ترین پیامدهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی یورش ژرمن‌ها به امپراتوری روم غربی چه بود؟
- ۲ چه عواملی موجب گسترش نظام فئودالی (زمین‌داری) در اروپای غربی شد؟
- ۳ تأثیر مشکلات اقتصادی و اجتماعی سرزمین‌های اروپایی را بر بروز جنگ‌های صلیبی توضیح دهید.
- ۴ موقعیت کلیسا را در قرون وسطا به اختصار شرح دهید.
- ۵ عوامل مؤثر بر رونق و رشد علم و آموزش در نیمه دوم قرون وسطا را بیان کنید.

۱- Thomas aquinas

رنسانس^۱ به معنای نوزایی و تجدید حیات است و از نظر تاریخی به دگرگونی‌های فکری و فرهنگی گفته می‌شود که به منظور احیای فرهنگ یونان و روم باستان، از ایتالیا آغاز شد و به تدریج در بخش‌های دیگر اروپا گسترش یافت (سده‌های ۱۴ – ۱۷م). رنسانس به تغییر و تحولات اساسی در جنبه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جوامع اروپایی در عصر جدید (۱۵۰۰ – ۱۸۰۰م) انجامید و پایه‌های تمدن نوین مغرب زمین را بنیان نهاد. در این درس، شما رنسانس و تغییر و تحولات نشئت گرفته از آن را بررسی و تحلیل خواهید کرد.

ایتالیا زادگاه و پیشگام رنسانس

بحث و گفت‌وگو

با توجه به مطالبی که در درس ۱۵ خواندید، درباره نشانه‌ها و آثاری که دلالت بر آمادگی جوامع و حکومت‌های اروپایی برای ایجاد تغییر و تحول در اواخر قرون وسطا داشت، بحث و گفت‌وگو نمایید.



در قرن ۱۴م هنگامی که فرهنگ قرون وسطایی بر سراسر اروپا سیطره داشت، گروهی از نویسندگان و اندیشمندان که در شهرهای ثروتمند ایتالیا می‌زیستند، هدایت جریان فکری و فرهنگی را به دست گرفتند و تفکر و سبک جدیدی از زندگی را باب کردند. این تفکر و سبک جدید زندگی که اساس آن بر نوزایی و تجدید حیات فرهنگ یونان و روم باستان قرار داشت، به رنسانس معروف شد. رنسانس به تدریج در دیگر سرزمین‌های اروپایی گسترش یافت.

دولت شهرهای ایتالیا در قرن ۱۴م

^۱— Renaissance

مهم‌ترین زمینه‌ها و عوامل ظهور رنسانس عبارت بودند از: ۱- رشد شهرنشینی و تجارت؛ ۲- گسترش روابط فرهنگی با جهان اسلام؛ ۳- پیشینه فرهنگی و تاریخی

۱- رشد شهرنشینی و تجارت



فلورانس ملکه شهرهای اروپا در عصر رنسانس



ونیز - ایتالیا

از سده ۱۱م به تدریج در اروپا شهرنشینی و تجارت در پیوندی تنگاتنگ با یکدیگر دوباره رونق گرفت. جنگ‌های صلیبی تأثیر فراوانی بر رشد شهرها و تجارت به ویژه در مناطق ساحلی اروپا گذاشت. تأثیر این جنگ‌ها بر رونق و شکوفایی شهرها در ایتالیا بیش از سایر سرزمین‌های اروپایی بود. شهرهای ایتالیایی در آن زمان، سرآمد شهرهای اروپا در تجارت، بانکداری و صنعت به شمار می‌رفتند. شهرهای بندری ونیز^۱، جنوا^۲، پیزا^۳ و پالمو^۴ تجارت در دریای مدیترانه و سواحل غربی اروپا را در اختیار داشتند. فلورانس^۵، مرکز داد و ستد کالاهای قیمتی فلزی و چرمی بود و تجارت پارچه را در بخش وسیعی از اروپا به خود اختصاص داده بود.

با گسترش شهرها و رشد تجارت، مشاغل و حرفه‌های گوناگونی شکل گرفت و قشر جدیدی از شهرنشینان ثروتمند شامل بازرگانان، بانکداران و صاحبان صنایع سر برآوردند که به آنها «بورژوا»^۶ می‌گفتند. آنان با ایجاد انجمن‌ها و شوراهای مختلف نقش مؤثری در اداره امور شهرها به عهده گرفتند. بورژواها نگرش و علایق متفاوتی با فئودال‌ها و شوالیه‌ها داشتند. آنان اهمیت و ارزش فراوانی برای علم، فرهنگ و هنر قائل بودند و

در ترویج آنها می‌کوشیدند. افراد و خاندان‌های حاکم بر شهرهای ایتالیایی نیز حامی ادیبان، نقاشان، معماران، موسیقی‌دانان و غیره بودند. برای نمونه می‌توان از خاندان معروف مدیچی^۷ که بر فلورانس حکومت می‌کرد، نام برد که مشوق و حامی جدی فرهنگ، ادب و هنر بود.

از سوی دیگر، درگیری‌های پاپ‌ها و پادشاهان در اواخر قرون وسطا، استقلال و آزادی عمل بیشتری برای دولت شهرهای ایتالیایی به وجود آورد. این استقلال، موقعیتی را برای متفکران و دانشمندان این شهرها ایجاد کرد که بتوانند تفکر و فرهنگ جدیدی را نشر دهند که کاملاً با اندیشه و فرهنگ حاکم بر قرون وسطا متفاوت بود.

۱- Venice

۲- Genoa

۳- Pisa

۴- Palermo

۵- Florence

۶- بورژوا (borge) در قرون وسطا و اوایل رنسانس به طبقات میانه شهری به‌ویژه تجار و سوداگران گفته می‌شد. بورژواها گروهی بودند که ثروت خود را نه از طریق اشراف‌زادگی بلکه از طریق، تجارت، صنعت و علم به‌دست آورده بودند، اصطلاح بورژوازی (Bourgeoisie) بعدها به این گروه اطلاق شد.

۷- Medici



۲- گسترش روابط فرهنگی با جهان اسلام

دانشمندان اروپایی در قرون وسطا از طریق اندلس (اسپانیای مسلمان) و سیسیل با دستاوردهای فکری و فرهنگی جهان اسلام آشنا شدند. جنگ‌های صلیبی و گسترش روابط تجاری میان اروپا و شرق باعث افزایش آشنایی و آگاهی‌های اروپاییان با ابعاد مختلف تمدن اسلامی و پیشرفت‌های علمی مسلمانان شد. به طور کلی آثار و نوشته‌های علمی دانشمندان و عالمان مسلمان تأثیر بسزایی بر وضعیت فکری و فرهنگی اروپا در اواخر قرون وسطا نهاد. مدارس عالی و دانشگاه‌های تازه تأسیس ایتالیایی در استفاده از آثار و نوشته‌های دانشمندان مسلمان پیشگام بودند.

برگی از کتاب قانون ابن سینا که در قرن ۱۴م به زبان لاتین ترجمه شده است.

فعالیت ۱

بررسی شواهد و مدارک

متن‌های زیر را بخوانید به پرسش‌های مربوط به آن پاسخ دهید.

متن ۱: «اروپا از طریق جهان اسلام موفق به احیای آثار ارسطو و سایر نویسندگان یونانی شد. ترجمه آثار یونانی به زبان عربی را باید یکی از وجوه درخشان تمدن اسلامی نامید. در سده دوازدهم همین آثار از زبان عربی به لاتین ترجمه شد و در دسترس غرب قرار گرفت. آثار علمی مسلمانان در سده‌های نهم و دهم میلادی موجب شد تا جهان اسلام از دنیای غرب بسیار پیش افتد و در سده‌های دوازدهم و سیزدهم میلادی آثار علمی مسلمانان در زمینه فیزیک و ریاضیات و طب از زبان عربی به لاتین ترجمه شد و در اختیار علمای غربی قرار گرفت» (فوگل، تمدن مغرب زمین، ج ۱ ص ۴۵۹).

متن ۲: «مدتها پیش از آنکه نام ارسطو و افلاطون به گوش مسیحیان غربی برسد، مسلمانان در خاورمیانه ارزش یافته‌های علمی یونان کلاسیک را تشخیص دادند و در حفظ و گسترش آن کوشیدند. علمای اسلام عظمت فکری ارسطو را به اتباع مسیحی خود در اسپانیا منتقل کردند و به نوبه خود آن را در سده‌های دوازدهم و سیزدهم به سایر مسیحیان ساکن اروپا انتقال دادند. ابن سینا، ایرانی مسلمان، از برجسته‌ترین نمونه فیلسوفان اسلامی و از عالمان دانشمندی است که برای حفظ دانش کلاسیک، در عصری مجدانه اهتمام کرد که مسیحیان غربی از درک و فهم آن عاجز بودند. غرب به واسطه ابن سینا توانست تفکر یونانیان را در زمینه دنیای مادی و غیرمادی کشف کند و آنها را با تعلیمات علمای قرون وسطای مسیحی پیوند دهد. در سده دوازدهم بخشی از کتاب شفا و قدری بعد هم تمام کتاب قانون در طب به زبان لاتین ترجمه شد. کتاب قانون چند صد سال در غرب مرجع و متون درسی طب بود» (آدلر، تمدن‌های عالم، ج ۱، ص ۲۳۵-۲۳۷).

۱- یکی از مهم‌ترین اقدامات دانشمندان دوره رنسانس احیای آثار یونان باستان به عنوان سرچشمه خرد و اندیشه بود. با توجه به متن‌های ۱ و ۲، توضیح دهید که اروپاییان چگونه به این هدف دست یافتند؟

۲- با توجه به متن دوم تأثیر آثار و اندیشه‌های ابن سینا را در فرهنگ و تمدن غرب چگونه ارزیابی می‌کنید؟

۳- پیشینه فرهنگی و تاریخی

سرزمین ایتالیا قلب امپراتوری روم باستان به شمار می‌رفت و آثار و بناهای عظیم تمدن یونانی- رومی در گوشه و کنار این سرزمین به چشم می‌خورد. وجود این آثار در پایان قرون وسطا برای بسیاری از شهرنشینان مرفه ایتالیایی، یادآور روزگار عظمت و شکوه فرهنگی، اقتصادی و سیاسی گذشته آنان بود. در این دوره تعدادی از نویسندگان و اندیشمندان ظهور کردند که با اشتیاق فراوان به مطالعه و پژوهش درباره فرهنگ یونان و روم باستان پرداختند و در صدد احیای آن برآمدند.



معبد پانتئون رم - از بناهای دوران روم باستان

دستاوردها و تحولات رنسانس و عصر جدید

رنسانس تحولی ساده یا گونه‌ای شکوفایی معمولی نبود؛ بلکه شیوه‌ای از تفکر و فرهنگ متفاوت بود که ابعاد مختلف زندگی فردی و اجتماعی اروپاییان را به تدریج دگرگون کرد و نظام فکری، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی نوینی را بی‌افکند.

۱- گسترش اندیشه اومانیزم^۱ (انسان‌گرایی)

یکی از وجوه مهم تفکر رنسانس که ریشه در فرهنگ یونان باستان داشت، حرمت نهادن به اعتبار و ارزش انسان و تصدیق استعداد و توانایی‌های او بود، که از آن به عنوان اومانیزم یا انسان‌گرایی تعبیر می‌شود. انسان‌گرایان یا اومانیزم‌ها^۲ به تبعیت از یونانیان باستان، انسان را محور و مدار جهان می‌شمردند و اعتقاد داشتند که معیارهای اخلاقی و ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی باید بر پایه خواسته‌های انسان و تمایلات دنیوی او ایجاد شود. در حالی که انسان‌گرایان، انسان را موجودی می‌شمردند که زندگی دنیوی او ارجمند و مهم است، کلیسا مروج این عقیده بود که انسان فقط برای خدمت به خداوند خلق شده است و دنیاگرایی و میل به لذت‌جویی او را از رسیدن به سعادت و خوشبختی در جهان آخرت باز می‌دارد. تفکر اومانیزستی و گرایش‌های انسان‌گرایانه، بیش از هر جای دیگر، در قلمرو ادبیات، هنر و معماری و تعلیم و تربیت انعکاس یافت و به نهضت ادبی و شکوفایی هنر و معماری در ایتالیا منجر شد.

۱- Humanism واژه‌ای مشتق از Human به معنای انسان است. در زبان فارسی برای این واژه معادل‌های مختلفی از قبیل انسان‌گرایی، انسان‌دوستی، انسان‌باوری، انسان‌مداری و مکتب اصالت انسان ذکر شده است.

۲- Humanist



نهضت ادبی رنسانس



دانته



تندیس نیکولو ماکیاولی

در شهرهای ثروتمند ایتالیا نظیر جنوا و فلورانس، تجارتخانه‌های فراوانی وجود داشت. در این مراکز افرادی بودند که به علت ضرورت ارتباط تجاری با مردمان سایر سرزمین‌ها، با زبان‌های گوناگون آشنا بودند. به تدریج از این گروه، افرادی زبان‌شناس و ادیب بیرون آمدند که به مطالعه آثار ادبی و فرهنگی یونان و روم باستان علاقمند شدند. از برجسته‌ترین پیشگامان نهضت ادبی دوره رنسانس می‌توان به فرانسیسکو پترارک^۱ اشاره کرد که به پدر اومانسیم شهرت یافت. او اهل فلورانس و شیفته فرهنگ و تمدن روم باستان بود. پترارک همواره در آثارش به انسان و انسان‌گرایی اهمیت می‌داد و نخستین کسی بود که قرون وسطا را عصر تاریکی نامید. او از منتقدان نظام سیاسی و اجتماعی عصر خود بود و به علت فعالیت‌هایش از فلورانس تبعید شد. پترارک در گسترش زبان و ادبیات ایتالیایی تلاش فراوانی کرد. این زبان بعدها زبان ملی ایتالیا شد و نقش مهمی در وحدت آن کشور ایفا کرد. پیش از او در اواخر قرون وسطا، دانته^۲ اثر پراج منظوم خود با عنوان کمدی الهی را به زبان ایتالیایی سروده بود^۳.

از دیگر نویسندگان عصر نوزایی نیکولو ماکیاولی^۴ مؤلف کتاب مشهور شه‌ریار بود. او از نزاع‌های دولت‌شهرهای ایتالیا دل‌خوشی نداشت و همواره آرزوی ایجاد نظام متمرکز و قدرتمند را در دل داشت. ماکیاولی پیروی فرمانروا از اصول اخلاقی را نفی می‌کند و به پادشاه توصیه می‌نماید برای دستیابی به قدرت مطلقه از هر ابزاری برای رسیدن به هدف خود بهره‌برداری کند. شاید به همین دلیل به او سیاستمدار شیطانی و اهریمنی لقب داده‌اند. نهضت ادبی عصر رنسانس بعدها از ایتالیا به سایر بخش‌های اروپا سرایت کرد و چهره‌های بزرگی چون اراسموس^۵ در هلند، فرانسوا رابله^۶ در فرانسه و ویلیام شکسپیر^۷ در انگلستان آن را به کمال رساندند.

۱- Francesco Petrarca (۱۳۰۴-۱۳۷۴م)

۲- Dante (۱۲۶۵-۱۳۲۱م)

۳- دانته در کمدی الهی بسیاری از رجال سیاسی و مذهبی عصر خود از جمله پاپ بونیفاس هشتم را دوزخی قلمداد کرد. او به سبب انتقادهایی که از پاپ کرد از فلورانس تبعید شد.

۴- Niccolò Machiavelli

۵- Erasmus

۶- Rabelais

۷- William Shakespear

رنسانس در عرصه هنر، خصوصاً نقاشی، پیکرتراشی (مجسمه‌سازی) و معماری دگرگونی عظیمی ایجاد کرد، به گونه‌ای که آثار هنری این دوره به لحاظ موضوع و سبک با آثار هنری دوره قرون وسطا به کلی متفاوت است. هنرمندان این دوره با محور قرار دادن انسان و طبیعت، آثار بی‌نظیری به وجود آوردند. آنان بر زیبایی و خصوصیات جسمانی انسان و خصلت‌های درونی شخصیت‌های مورد نظر خود تأکید فراوان می‌کردند.

فکر کنیم و پاسخ دهیم

به نظر شما چرا هنرمندان عصر رنسانس انسان را در کانون توجه خود قرار دادند؟

هنر رنسانس با ظهور سه هنرمند مشهور ایتالیایی یعنی لئوناردو داوینچی^۱، رافائل^۲ و میکل آنژ^۳ به اوج پیشرفت و شکوفایی رسید. آنان در زمره بزرگ‌ترین نوابغ تاریخ هنر جهان به شمار می‌روند. داوینچی دارای هوش و نبوغ سرشاری بود. او علاوه بر آنکه در نقاشی، مجسمه‌سازی و معماری سرآمد هنرمندان به شمار می‌رفت، در علوم مختلف از قبیل ریاضی، مهندسی، زمین‌شناسی و غیره نیز سررشته داشت. مشهورترین اثر نقاشی او شام آخر و مونالیزا^۴ یا لبخند ژکونده^۵ است.



تابلوی مدرسه آتن اثر رافائل



تابلوی شام آخر اثر داوینچی

عصر نوزایی در معماری نیز شیوه نوینی به وجود آورد. معماران عصر رنسانس ساختمان‌های رم باستان را سرمشق خود قرار دادند و الگوی معماری بناهای باستانی را در ساختن کاخ‌ها، کلیساها و نمازخانه‌ها به کار بستند. کاخ‌ها و کلیساهایی که در عصر رنسانس در شهرهای مختلف ایتالیا به ویژه رم، فلورانس و ونیز ساخته شد، بیانگر اوج و شکوه معماری عصر رنسانس است.



کلیسای سن پیترو در رم

عصر نوزایی تأثیر ژرفی بر تعلیم و تربیت نهاد. اندیشه انسان‌گرایی برای تعالی و رشد جسمی و روحی انسان اهمیت و ارزش فراوانی قائل بود و انسان‌گرایان بر اصل آموزش‌پذیری انسان و شکوفایی استعدادها و توانمندی‌های بالقوه او از طریق آموزش به شدت تأکید می‌کردند. دانشمندان عصر رنسانس با مطالعه و بررسی آثار و نوشته‌های دوره باستان، رساله‌های متعددی درباره تعلیم

۱- Leonardo da Vinci (۱۴۵۲-۱۵۱۹م)

۲- Raphael (۱۴۸۳-۱۵۲۰م)

۳- Michel Angelo (۱۴۷۵-۱۵۶۴م)

۴- Monalisa

۵- Joconda

و تربیت نوشتند و نظریه آموزشی جدیدی را ارائه کردند. براساس این نظریه، هدف آموزش و پرورش، تربیت دانشمندان برجسته نبود، بلکه می‌خواستند شهروندانی را تربیت کنند که نقش سودمندی در جامعه ایفا کنند و در حیات شهری فعال باشند.

فعالیت ۲

بررسی شواهد و مدارک

متن‌های زیر را بخوانید و با هم فکری به پرسش‌های مربوط به آنها پاسخ دهید.

متن ۱: یکی از پیشگامان تعلیم و تربیت در عصر رنسانس به نام ویتورینو دافلتزه^۱ می‌گفت: «همه وظیفه ندارند در فلسفه و طب و یا حقوق افضل شوند و طبیعت به همه یکسان نظر نکرده؛ اما برای همه مقدر شده تا در جامعه زندگی کنند و از فضیلت پیروی نمایند» (فوگل، تمدن مغرب‌زمین، ج ۱، ص ۵۴۸-۵۴۹).

متن ۲: مواد و موضوع‌های درسی که در دوره رنسانس به دانش‌آموزان آموزش داده می‌شد به «هنرهای ذوقی» موسوم بود که شامل تاریخ، فلسفه اخلاق، بلاغت و فصاحت، ادبیات، شعر، ریاضی، نجوم و موسیقی می‌شد. آموزش زبان یونانی و لاتین، تربیت بدنی و تعلیم دیانت مسیح^ع هم از برنامه‌های مدارس بود. ویتورینو درباره موضوع‌های درسی گفته است: «در زمره این مطالعات من مکان اول را به تاریخ می‌دهم، چون هم جذاب است و هم مفید؛ و این کیفیات هم مورد نظر دانشمندان است و هم خواسته سیاستمداران؛ فلسفه اخلاق بعد از تاریخ اهمیت دارد که در واقع به معنای خاص هنر ذوقی است و مقصود از آن راهنمایی انسان به سرآزادی است. پس تاریخ به ما مثال‌های روشن از مفاهیمی می‌دهد که فلسفه تلقین می‌کند. فلسفه می‌گوید انسان چه کار کند؛ تاریخ می‌گوید انسان در گذشته چه گفته و چه کرده و از آنها برای امروز چه عبرت‌های عملی به دست می‌آوریم» (همان، ص ۵۴۸).

۱- از متن اول چه برداشتی می‌توان درباره اهداف تعلیم و تربیت در عصر رنسانس کرد؟

۲- متن دوم بیانگر چه تحولی در نظام تعلیم و تربیت عصر رنسانس نسبت به قرون وسطا است؟

۳- درس تاریخ در برنامه تعلیم و تربیت دوره رنسانس چه جایگاه و اهمیتی داشته است؟

۱ - Vittorino da Faltre

۲- تحولات علمی

در عصر رنسانس و قرون جدید، نگرش علمی اروپاییان در نتیجه آشنایی آنان با پیشرفت‌های علمی مسلمانان و اشاعه اندیشه‌های اومانیستی تغییر کرد. به تدریج علوم طبیعی و روش‌های علمی مبتنی بر مشاهده و تجربه در کانون توجه طالبان علم و معرفت قرار گرفت و نظریات علمی جدیدی مطرح شد و اختراعات مهمی صورت گرفت.

بحث و گفت‌وگو

با راهنمایی دبیر درباره تأثیر اندیشه انسان‌گرایی بر گرایش اروپاییان به علوم تجربی و روش‌های علمی مبتنی بر مشاهده و تجربه، گفت‌وگو کنید.



کوپرنیک در حال رصد ستارگان



کارگاه چاپ اواخر قرن ۱۵

در اواسط قرن شانزدهم نیکلاس کوپرنیک^۱ در رسالهٔ گردش اجرام سماوی، نظریهٔ چرخش زمین به دور خورشید را مطرح کرد. پیش از این، براساس نظریهٔ زمین مرکزی^۲ بطلمیوس، کلیسا و دانشمندان بر این باور بودند که زمین ثابت و خورشید بر گرد آن می‌چرخد. با مطالعات برخی از دانشمندان از جمله کیپلر^۳ نظریهٔ کوپرنیک اثبات شد. اختراع تلسکوپ توسط گالیله^۴، استاد دانشگاه پیزا، فرضیه‌های کوپرنیک را بیش از پیش مورد تأیید قرار داد. با گسترش روابط اروپاییان با جهان اسلام از دورهٔ جنگ‌های صلیبی به بعد، پزشکی و داروسازی در اروپا نیز دچار تحول شد. ویلیام هاروی^۵ در زمینهٔ کارکرد قلب و چگونگی گردش خون به موفقیت‌های مهمی دست یافت. در فیزیک و ریاضیات نیز پیشرفت‌هایی صورت گرفت و در قرن ۱۷م با وسعت بیشتری ادامه یافت. در زمینهٔ جغرافیا و نقشه‌برداری نیز اروپاییان از تجربیات مسلمانان بهره‌های فراوانی بردند و به پیشرفت‌های چشمگیری نایل آمدند.

اهتمام و اعتنا به روش تجربی، به تدریج سبب پیشرفت‌های جدیدی در بسیاری از علوم شد و زمینهٔ انقلاب علمی را در سدهٔ ۱۷م و سپس در قرن ۱۸م فراهم ساخت. این پیشرفت‌ها تنها مدیون اطلاعات جدید نبود بلکه بیشتر مدیون دیدگاه‌های نوینی بود که توسط دانشمندان و فلاسفه‌ای چون دکارت^۶ (۱۵۹۶-۱۶۵۰) بنیانگذار سبک تحقیق در ریاضی و فرانسیس بیکن^۷ (۱۵۶۱-۱۶۲۱) از طرفداران روش شناخت تجربی در مطالعات علمی حاصل شد.

اختراع ماشین چاپ؛ اختراع دستگاه چاپ توسط یوهانس گوتنبرگ^۸ آلمانی از مهم‌ترین ابداعات فناوری در عصر رنسانس بود. دیری نگذشت که صنعت چاپ یکی از بزرگترین صنایع اروپا شد. تا سال ۱۵۰۰م، بیش از ۱۰۰۰ چاپخانه در

سراسر اروپا وجود داشت که تقریباً ۴۰۰۰ عنوان کتاب را در تیراژی حدود هشت تا ۱۰ میلیون نسخه به چاپ رساندند. اختراع و

۱- Nicholas Copernicus (۱۴۷۳-۱۵۴۳م)

۲- Geocentric

۳- Kepler (۱۵۷۱-۱۶۳۰م)

۴- Galille (۱۵۶۴-۱۶۴۲م)

۵- William Harvey (۱۵۷۸-۱۶۵۷م)

۶- Descartes (۱۵۹۶-۱۶۵۰م)

۷- Francis Bacon (۱۵۶۱-۱۶۲۶م)

۸- Johannes Gutenberg (۳۹۸-۴۶۸م)

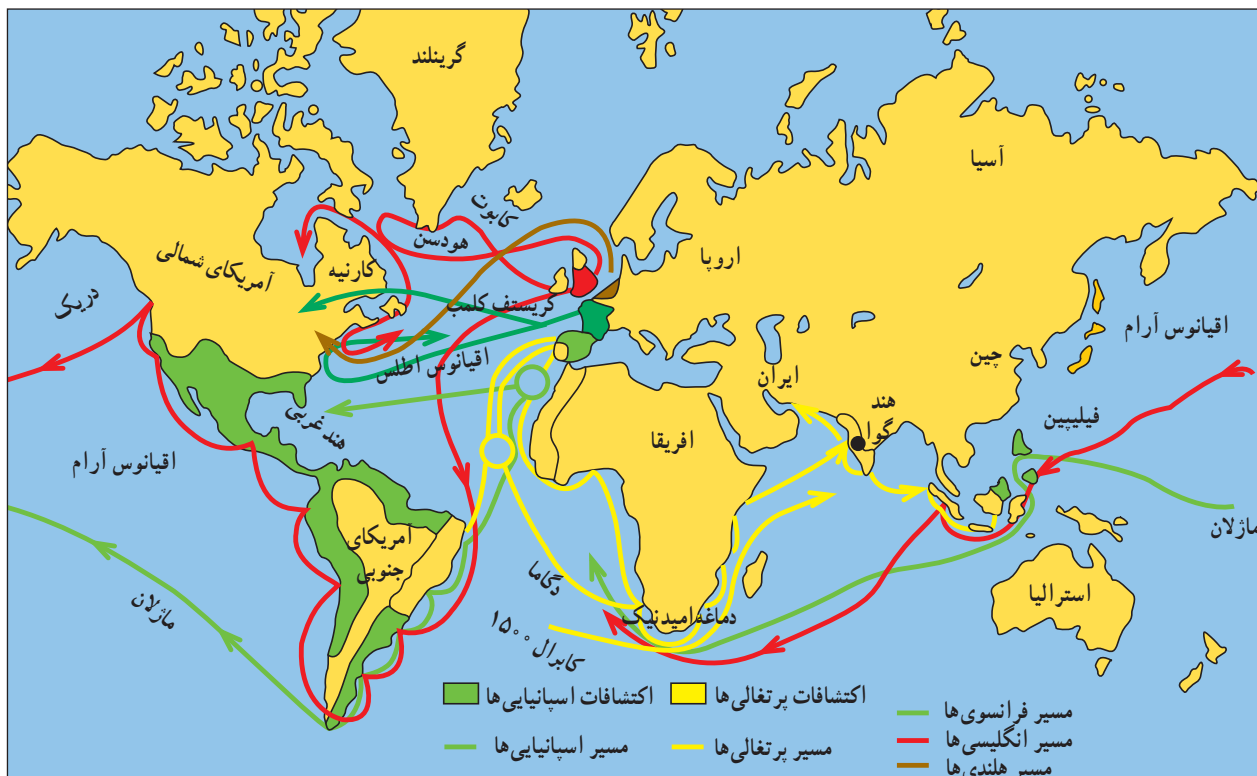
توسعه صنعت چاپ کمک فراوانی به فراگیر شدن پژوهش‌های علمی و نشر علم در اروپا کرد. علاوه بر آن چاپ کتاب‌های غیر مذهبی از قبیل کتاب‌های فلسفی، رمان و داستان و آثاری در موضوع حقوق، تاریخ و... تأثیر ژرفی بر وضعیت فکری و فرهنگی جوامع اروپایی گذاشت.

۳- اکتشافات جغرافیایی و شروع استعمارگری اروپاییان

یکی از مهم‌ترین تحولات عصر رنسانس، اکتشافات جغرافیایی و کشف راه‌های دریایی جدید بود. این تحول، علاوه بر دستاوردهای علمی که در حوزه دانش دریانوردی و جغرافیا در پی داشت، موجب به هم خوردن موازنه تجارت جهانی و آغاز استعمارگری اروپاییان شد.

انگیزه و عوامل اکتشافات جغرافیایی

۱- سرزمین‌های شرق دور مانند هند و چین از گذشته‌های بسیار دور برای اروپاییان جاذبه فراوانی داشت. آنان همواره در اندیشه رسیدن به آن سرزمین‌ها بودند؛ اما حکومت‌های قدرتمند ایرانی و خلافت‌ها و سلسله‌های بزرگ مسلمان که از دوره باستان تا قرون جدید بر فلات ایران و مناطق ساحلی شرق و جنوب دریای مدیترانه تسلط داشتند، مانع جدی برای رسیدن اروپاییان به هندوستان و چین بودند. در اواخر قرون وسطی با گسترش فعالیت‌های تجاری در اروپا، انگیزه و اشتیاق اروپاییان برای رسیدن به شرق و دسترسی به ادویه و دیگر کالاهای گران‌بهای آن دیار دو چندان شد. از این‌رو، اروپاییان در صدد برآمدن خط‌های زیادی را به جان بخرند و مسیرهای دیگری را برای رسیدن به سرزمین‌هایی که قرن‌ها در آرزوی دسترسی به آن بودند، کشف کنند. در این میان، پرتغالی‌ها و اسپانیایی‌ها که از تجارت پررونق دریای مدیترانه و سرزمین‌های پیرامون آن سود زیادی نمی‌بردند، انگیزه و شوق بیشتری برای کشف راه‌ها و سرزمین‌های جدید از خود نشان دادند؛ زیرا از یک سو قادر به رقابت با دولت‌شهرهای ایتالیایی که تجارت این منطقه را در انحصار خود داشتند، نبودند و از سوی دیگر با حکومت عثمانی که بر مناطق شمال شرق و شرق مدیترانه مسلط بود، دشمنی و ستیز داشتند.





نمونه‌ای از کشتی‌های اروپایی در سده ۱۵ و ۱۶م



کریستف کلمب در هنگام ورود به دنیای جدید

۲- افزایش اطلاعات جغرافیایی و توسعه مهارت دریانوردی اروپاییان در دوران پس از جنگ‌های صلیبی و اواخر قرون وسطا نیز تأثیر شایانی در کشف سرزمین‌ها و راه‌های جدید داشت. اروپاییان تا نیمه سده ۱۵م فنون نقشه‌کشی را تکامل بخشیدند و نقشه‌های نسبتاً دقیقی از دنیای شناخته شده آن روزگار طراحی و ترسیم کردند. به علاوه اروپاییان در ساختن کشتی و بهره‌گیری از تجهیزات دریانوردی مانند قطب‌نما که چینی‌ها اختراع کرده بودند و اُسْطُرْلاب (وسیله‌ای که موقعیت اجرام آسمانی را معلوم می‌کرد)، به پیشرفت فوق‌العاده‌ای رسیدند.

پرتغالی‌ها پیشگام اکتشافات جغرافیایی؛ در نیمه دوم سده ۱۵م، دریانوردان پرتغالی^۱ در سواحل غربی قاره آفریقا در اقیانوس اطلس مشغول کشف سرزمین‌های جدید شدند. آنان سفر اکتشافی خود را به سمت جنوب ادامه دادند و با دور زدن دماغه امیدنیک وارد اقیانوس هند شدند و تا سواحل جنوب شرقی هندوستان پیش رفتند.^۲ دریانوردان پرتغالی با مال‌التجاره‌ای شامل فلل و سنگ‌های قیمتی از این سفر دریایی موفقیت‌آمیز به سرزمین خود بازگشتند و از آن سود هنگفتی بردند. مدتی بعد دولت پرتغال ناوگان دریایی خود را به فرماندهی آلبوکرک^۳ به هند گسیل کرد و او توانست تعدادی پایگاه تجاری - نظامی در جزایر و سواحل خلیج فارس، هندوستان و چین تأسیس کند. این اقدامات به منزله نخستین گام‌های اروپاییان برای استعمار سرزمین‌های دیگر محسوب می‌شود.

به دنبال پرتغالی‌ها، اسپانیایی‌ها گام در کشف راه‌ها و سرزمین‌های جدید نهاد. کریستف کلمب^۴ ایتالیایی که با نظریه کروی بودن زمین آشنایی داشت، پادشاه و ملکه اسپانیا^۵ را تشویق کرد که از برنامه سفر دریایی او برای رسیدن به هند با عبور از اقیانوس اطلس

۱- شاهزاده هنری، ملقب به دریانورد (Henry The Navigator)، پسر خوان اول پادشاه پرتغال، با تأسیس مدرسه دریانوردی و سپس ایجاد ناوگان دریایی پرتغال، نقش مهمی در اکتشافات جغرافیایی ایفا کرد.

۲- هدایت دریانوردان پرتغالی برای کشف راه دریایی جدید به هندوستان به ترتیب به عهده بارتولمه دیاز (Bartholomeu Dias) و واسکو دوگاما (Vasco De Game) بود.

۳- Albuquerque

۴- Kristof Kolomb

۵- فردیناند دوم (۱۴۵۲-۱۵۱۶م) و ملکه ایزابل یکم

پشتیبانی کنند. سفر دریایی کلمب که با حمایت مالی اسپانیا انجام گرفت، منجر به کشف قاره آمریکا شد. پس از آن شمار زیادی از مردم اسپانیا و دیگر کشورهای اروپایی به انگیزه کسب ثروت و دستیابی به زمین راهی آن قاره شدند. تا حدود نیمه قرن ۱۶م، اسپانیایی‌ها با سرکوب بومیان، آمریکای مرکزی و بخش اعظم آمریکای جنوبی را تحت سلطه استعماری خود درآوردند. براساس منشوری که پادشاه اسپانیا به کریستف کلمب و سایر کاشفان سرزمین‌های جدید داد، کاشفان ملزم بودند سهم عمده‌ای از غنایمی را که به دست می‌آوردند به خزانه این پادشاه پردازند. بدین‌گونه طلا و نقره غارت شده بومیان آمریکا، اسپانیا را به یکی از نیرومندترین کشور اروپایی در سده‌های ۱۶ و ۱۷م تبدیل کرد.

فعالیت ۳

بررسی شواهد و مدارک

متن زیر را بخوانید و با همفکری به پرسش‌های مربوط به آن پاسخ دهید.

بارتولومه دِلاس کاساس (۱۴۷۴-۱۵۶۷ م) کشیش، در جوانی از فاتحان و برده‌داران اسپانیایی بود. او چندی بعد از رفتار خود پشیمان و به افشای رفتار ظالمانه هموطنانش پرداخت. «مسیحیان با اسب‌ها، شمشیرها و نیزه‌ها رفتار عجیب و بیرحمی‌های هولناکی با مردم داشتند. پیروان مسیحیان در داخل سرزمین رخنه نمودند و از جان هیچ کودک و پیری نگذشتند، به زنان حامله هم رحم نکردند، گویی می‌خواستند گله‌ای بره را در آغل‌های خود قصابی کنند، هر جا سرخ‌پوستی می‌یافتند او را می‌دریدند» (فیلیپ جی. آدلر، ص ۳۹۴).

۱- شما منشأ و علت این رفتارهای غیرانسانی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

۲- آیا این رفتارها با تعالیم حضرت مسیح صلی الله علیه و آله مطابقت داشت؟

از اواخر قرن ۱۶م هلندی‌های و انگلیسی‌ها و سپس فرانسوی‌ها نیز گام به عرصه رقابت‌های استعماری نهادند و مستعمره‌نشین‌های متعددی را در آسیا، آمریکای شمالی و آفریقا تأسیس کردند. سده ۱۷م صحنه رقابت و درگیری پیاپی میان دولت‌های اروپایی برای تسلط بر مستعمرات بیشتر و کسب منافع اقتصادی بود.

آثار و پیامدهای اکتشافات جغرافیایی: کشف سرزمین‌های جدید و گسترش قلمرو اروپایی، آثار و پیامدهای فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی گسترده‌ای برجا گذاشت. به دنبال دستیابی اروپاییان به سرزمین‌های جدید، جمعیت زیادی از مردم بومی مستعمرات به ویژه در قاره آمریکا بر اثر سرکوب شدید و انتشار بیماری‌های مرگبار از بین رفتند. اروپاییان تمدن‌های بومی و نهادهای کهن آن قاره را نابود کردند و دین، زبان و فرهنگ خود را به جای آن نشاندهند. اما در شرق، پایگاه‌های تجاری پرتغالی‌ها و دیگر استعمارگران تأثیر کمتری بر تمدن و ساختار سیاسی و اجتماعی آسیا گذاشت.

فکر کنیم و پاسخ دهیم

به نظر شما چرا تأثیرات فرهنگی و اجتماعی استعمار اروپایی در قاره آمریکا گسترده‌تر از آسیا بود؟

کشفیات جغرافیایی در حوزه اقتصادی بیشترین تأثیر را برجای گذاشت. اروپاییان در هر نقطه از دنیای جدید به دنبال طلا و نقره بودند. یکی از بومیان قاره آمریکا، حرص و طمع اروپاییان را چنین توصیف کرده است: «فاتحان اسپانیایی شهوت طلا دارند و در آرزوی آن می‌میرند. جسمشان از طمع متورم شده و گرسنگی‌شان حریصانه است؛ همچون خوگ گرسنه در بی‌طلا هستند». در نتیجه اکتشافات جغرافیایی و دستیابی اروپاییان به منابع ثروت در سرزمین‌های جدید، حجم عظیمی از فلزات گران‌بها به اروپا سرازیر شد که تا آن زمان سابقه نداشت. ذخیره فلزات قیمتی موجب رونق اقتصادی و رشد تجارت شهرهای اروپایی شد. این وضع به ضرر اشراف فئودال و زمین‌دار بود و موجب شد که موقعیت اجتماعی خود را از دست بدهند. در مقابل، اعتبار و منزلت تجار و صنعتگران افزایش یافت.

ذخیره فراوان طلا و نقره همچنین موجب افزایش بیشتر قدرت شاهان اروپایی شد و آنان را بر اشرافیتی که تا آن زمان گردن‌فرازی می‌کرد، برتری بخشید. شاهان همچنین با استفاده از منابع مالی عظیمی که حاصل غارت مستعمرات بود، ارتش‌های ملی و ناوگان‌های دریایی خود را مجهز و قوی‌تر کردند. البته کشف سرزمین‌های جدید و گسترش قلمرو اروپاییان، باعث تشدید رقابت و درگیری سیاسی، نظامی و اقتصادی دولت‌های اروپایی در سرزمین اصلی و مستعمرات شد.

تجارت بردگان آفریقایی؛ پرتغالی‌ها در جریان سفرهای اکتشافی خود در سواحل غربی قاره آفریقا دریافته‌اند که با فروش برده‌های آفریقایی می‌توانند سود هنگفتی کسب کنند. با کشف قاره آمریکا، خرید و فروش برده به سرعت افزایش یافت؛ زیرا اروپاییانی که مزارع وسیعی را در آن قاره تصاحب کرده بودند به نیروی کار مجانی و ارزان نیاز داشتند. به همین دلیل پرتغالی‌ها تجارت برده از آفریقا به آمریکا را در انحصار خود گرفتند. بعدها بازرگانان هلندی و انگلیسی نیز به این تجارت پرسود وارد شدند.



تابلوی کشتی حمل برده؛ بعضی از کشتی‌های حمل برده تا ۸۰۰ نفر را در خود جای می‌دادند. حدود ۱۵ تا ۲۰ درصد این بردگان در طول سفر می‌مردند.

۴- اصلاح دینی و نهضت پروتستان

در فاصله قرون ۱۴ تا ۱۷م سلسله حوادث و تحولاتی در قلمرو مسیحیت در اروپا رخ داد که مورخان از مجموع آنها تعبیر به اصلاح دینی^۲ می‌کنند. جنبش اصلاح دینی با انتقاد و اعتراض به برخی از نظریات و عملکرد کلیسا شروع شد.

برخی از این اعتراضات از سوی شاهان و فرمانروایان صورت می‌گرفت که کلیسا را از دخالت در امور سیاسی منع می‌کردند. انسان‌گرایان هم که شیفته مروج ادبیات و آثار کهن یونانی و لاتینی بودند، به شیوه تعلیم و تربیت و محتوای آموزشی که تحت نظارت کلیسا در مدارس و دانشگاه‌ها تدریس می‌شد، انتقاد داشتند و آنها را غیر مفید می‌شمردند. انسان‌گرایان همچنین کلیسا را

۱- فوگل، تمدن مغرب‌زمین، ج ۱، ص ۶۲۷.



مارتین لوتر

به خاطر برخی ناهنجاری‌های اخلاقی کشیشان مورد سرزنش قرار می‌دادند. اما مهم‌تر از همه، گروهی از مصلحان دینی بودند که از درون کلیسا پا به عرصهٔ اعتراض و انتقاد نهاده و آموزه‌های کلیسا را دربارهٔ انسان و خدا به چالش کشیدند^۱. مهم‌ترین شخصیتی که نهضت اصلاح دینی به نام او شناخته می‌شود، مارتین لوتر^۲ آلمانی بود که در اعتراض به مسیحیت کاتولیک یکسره از کلیسا برید و مذهب تازه‌ای بنیاد نهاد. لوتر با اشتیاقی وصف‌ناپذیر به تحصیل در رشتهٔ الهیات روی آورده و استاد تدریس کتاب مقدس در دانشگاه

ویتنبرگ شد. اولین مسئله‌ای که ذهن او را به خود مشغول کرد، ارتباط ایمان با انجام دادن کارهای نیک بود. او در طی مطالعات و تأملات گستردهٔ خود در باب آیین مسیح و کتاب مقدس به این نتیجه رسید که برخلاف دیدگاه غالب کلیسایان، آنچه مایهٔ رستگاری انسان می‌شود ایمان است و نه انجام دادن کارهای نیک. لوتر با ابراز این نظر در واقع به جنگ با کلیسا برخاست. وی بعداً بر پایهٔ همین نظر خود بود که مسئلهٔ آموزش گناهان توسط کلیسا را در برابر پرداخت پول و انجام برخی خدمات مورد نقد قرار داد. او خدا را پدری مهربان می‌شمرد که بی‌هیچ چشمداشتی گناهان بندگانش را می‌بخشد.



لوتر هنگام دفاع از خود در دادگاه امپراتوری مقدس روم

لوتر در ۱۵۱۷م، فهرستی از نظریات خود را در ۹۵ اصل تدوین کرد و بر در کلیسای ویتنبرگ^۳ (شهری در کشور کنونی آلمان) آویخت و از مردم خواست دربارهٔ آنها با هم گفت‌وگو کنند. پاپ، با تکفیر لوتر از امپراتور مقدس روم خواست تا او را سرکوب کند. اما شاهزادگان آلمانی از لوتر حمایت کردند و به پاپ و امپراتور اعتراض (پروتست) کردند. از این روی آنان به پروتستان معروف شدند. لوتر هرچند به دنبال تأسیس آیین و کلیسای جدیدی نبود ولی تلاش‌های او به تأسیس آیین و کلیسای پروتستان انجامید. بعدها اصلاحات او در خارج از آلمان توسط کسانی چون ژان کالون^۴ در سوئیس دنبال شد.

۱- جان ویکلیف (John Wycliffe) (۱۳۳۰-۱۳۸۴م) در انگلستان و جان هوس (John Hus) (۱۳۷۲-۱۴۱۵م) در بوهمیا (جمهوری چک امروزی) از مهم‌ترین افرادی بودند که کوشیدند کلیسا را از کنترل مقامات کلیسا و انواع اعتقادات نام‌های پیچیده و آزمون‌های عقیدتی رها سازند.

۲- Martin Luther (۱۵۴۶-۱۴۸۳م)

۳- Wittenberg

۴- John Calvin

نهضت پروتستان وحدت کلیسای کاتولیک را از میان برد و باعث بروز سلسله جنگ‌های مذهبی میان پروتستان‌ها و کاتولیک‌ها شد که بخش‌های وسیعی از اروپا را فرا گرفت. این نهضت همچنین به تقویت پادشاهان و دولت‌های ملی و رشد اندیشه ملی‌گرایی در اروپا کمک فراوانی کرد. پیامد دیگر نهضت پروتستان، تضعیف قدرت کلیسای کاتولیک و کاهش نقش آن در زندگی مردم و جوامع اروپایی بود.

کاوش خارج از کلاس

در مورد سایر نتایج نهضت پروتستان در اروپا با راهنمایی دبیر گزارشی تهیه کنید و در کلاس ارائه دهید.

فعالیت ۴

بررسی شواهد و مدارک

- در اینجا بندهای ۵-۲۱-۵۰-۸۸ از رساله ۹۵ بندی لوتر آمده است. آنها را بخوانید و به پرسش‌های زیر پاسخ دهید.
- ۵- پاپ نه قدرت و نه اراده آن را دارد که مجازاتی را عفو کند، مگر مجازات‌هایی که خودش با صواب‌دید خود یا برحسب قانون کلیسایی بر مردم تحمیل کرده است.
- ۲۱- وقتی واعظان آمرزش فروش می‌گویند، آدم به دلیل آمرزش‌یابی از گناهان خود آمرزیده می‌شود و روح او نجات می‌یابد، خطا می‌گویند.
- ۵۰- مسیحیان بدانند آن کس که حاجتمندی را ببیند و از کنار او [بی‌اعتنا] بگذرد و بعداً به خاطر بخشش خود [به پاپ] پول بدهد، آمرزش پاپ را به دست نمی‌آورد، بلکه غضب خدا را به خود متوجه می‌کند.
- ۸۸- چرا پاپ که از ثروتمندترین اغنیای بشر است، با پول خود تالار کلیسای سن‌پیترا را نمی‌سازد و چرا به پول مؤمنان فقیر چشم دوخته است؟ (فوگل، تمدن مغرب زمین، ج ۲، ص ۵۸۳)
- ۱- برداشت شما از این بندها چیست؟ استدلال کنید.
- ۲- آیا اقدام پاپ و کلیسای کاتولیک در جهت رسم فروش گناهان به حیثیت و آبروی کلیسا و پاپ لطمه شدیدی وارد ساخت؟ چرا؟

پرسش‌های نمونه

- ۱ به چه دلایلی ایتالیا خاستگاه نهضت رنسانس محسوب می‌شود؟ دو مورد را شرح دهید.
- ۲ نقش مسلمانان را در نهضت علمی رنسانس مورد نقد و بررسی قرار دهید.
- ۳ پیامدهای سیاسی اکتشافات جغرافیایی را تجزیه و تحلیل کنید؟
- ۴ دلایل نهضت پروتستان و نتایج آن را بررسی کنید.

منابع و مأخذ

منابع فارسی و عربی:

علاوه بر قرآن و نهج البلاغه

- آدامووا، ا.ت، نگاره‌های ایرانی، ترجمه زهره فیضی، تهران، انتشارات فرهنگستان هنر، ۱۳۸۶.
- آرام، احمد، علم در اسلام، تهران، سروش، ۱۳۶۶.
- آزبری، آ.ج، و دیگران، تاریخ اسلام، پژوهش دانشگاه کمبریج، زیر نظر بی.ام. هولت و آن.ک. لمبتون، ترجمه احمد آرام، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۷.
- آیینه‌وند، صادق، اطلس تاریخ اسلام، تهران، انتشارات مدرسه و مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان، ۱۳۸۸.
- ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۲، به اهتمام محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره، دار احیاء الکتب العربیه، بی تا.
- ابن بطوطه، محمدین عبدالله، سفرنامه، ج ۲، ترجمه محمد علی موحد، تهران، آگه، ۱۳۷۶.
- ابن خلدون، عبدالرحمن، مقدمه، ج ۱، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۴.
- ابن عربشاه، عجایب المقدور فی اخبار تیمور، ترجمه محمدعلی نجاتی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۰.
- ابن هشام، السیره النبویه، ج ۱، به اهتمام عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۱۰ق.
- ابویوسف یعقوب بن ابراهیم (متوفی ۱۸۲ق)، کتاب الخراج، بیروت، دارالمعرفه للطباعه والنشر، ۱۳۹۹ق/۱۹۷۹م.
- ادریسی آریمی، مهری، فرهنگ و تمدن در دوره صفوی، تهران، دانشگاه پیام نور، ۱۳۹۴.
- ارزقی، محمدبن عبدالله بن احمد (متوفی ۲۵۰ق)، اخبار مکه و ما جاء فیها من الآثار، تصحیح عبدالملک بن عبدالله بن دهیش، مکتبه الاسد، ۱۴۲۴ق/۲۰۰۳م.
- اس بلر، شیلا و دیگران، هنر و معماری اسلامی، ترجمه اردشیر اشراقی، تهران، سروش، ۱۳۸۱.
- اسکندر بیک ترکمان، عالم آرای عباسی، ۳ جلد، تصحیح محمد اسماعیل رضوانی، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۷۷.
- اشبولر، برتولد، تاریخ مغول در ایران، ترجمه محمود میر آفتاب، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸.
- اشرفی، م.م، از بهزاد تا رضا عباسی، ترجمه نسترن زندی، تهران، مؤسسه متن، ۱۳۹۶.
- اصطخری، ابواسحاق ابراهیم، مسالک و ممالک، به اهتمام ایرج افشار، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸.
- اطلس تاریخ و بنادر و دریانوردی ایران، ج ۲، سازمان بنادر و دریانوردی.
- اقبال آشتیانی، عباس، وزارت در عهد سلاطین سلجوقی، دانشگاه تهران، ۱۳۲۸.
- ، عباس، تاریخ مغول، تهران، امیر کبیر، ۱۳۷۲.
- انوری، حسن، اصطلاحات دیوانی در دوره غزنوی و سلجوقی، تهران، طهوری، ۱۳۵۵.
- اولتاریوس، آدام، سفرنامه، ترجمه حسین کردبچه، تهران، شرکت کتاب برای همه، ۱۳۶۹.
- ایزوتسو، توشیهیکو، مفاهیم اخلاقی — دینی در قرآن مجید، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، فرزانه روز، ۱۳۷۸.
- بارتولد، واسیلی ولادیمیریچ، الغ بیگ و زمان وی، ترجمه حسین احمدی‌پور، تبریز، کتابفروشی چهر، بی تا.
- ، ترکستان نامه، ج ۲، ترجمه کریم کشاورز، تهران، آگه، ۱۳۶۶.
- باسورث و دیگران، سلجوقیان، ترجمه و تدوین یعقوب آژند، تهران، نشر مولی، ۱۳۹۰.
- ، تاریخ غزنویان، ترجمه حسن انوشه، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۲.
- باغستانی، اسماعیل، تاریخ تشکیلات اداری و فرهنگی دولت فاطمیان (ترجمه و تحقیق)، پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما دکتر هادی عالم‌زاده، دانشکده الهیات دانشگاه تهران، ۱۳۷۵.

بلاذری، احمد بن یحیی، *جُمَل من انساب الاشراف*، ج ۶، بیروت، دارالفکر للطباعة و النشر، به کوشش سهیل زکار و ریاض زرکلی، ۱۴۱۷ق/۱۹۹۶م.

—، *فتوح البلدان*، ترجمه محمد توکل، تهران، نشر نقره، ۱۳۶۷.

بویل، جی. ا.، *تاریخ ایران*، ج ۵، پژوهش دانشگاه کمبریج، ترجمه حسن انوشه، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۵.

بیانی، شیرین، *دین و دولت در ایران عهد مغول*، ۳ جلد، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۵.

بیهقی، ابوالفضل، *تاریخ بیهقی*، تصحیح دکتر علی اکبر فیاض، اهتمام محمد جعفر یاحقی، مشهد، دانشگاه فردوسی، ۱۳۸۳.

بورجوادی، نصرالله و ژبوا وسل، *دانشمند طوس*، مجموعه مقالات گردهمایی علم و فلسفه در آثار خواجه نصیرالدین

طوسی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۹.

تاریخ ایران: دوره صفویان، پژوهش دانشگاه کمبریج، ترجمه یعقوب آژند، تهران، جامی، ۱۳۸۸.

تاورنیه، *سفرنامه*، ترجمه ابوتراب نوری، تصحیح حمید شیرانی، تهران، کتابخانه سنایی، ۱۳۶۹.

ترکمنی آذر، بروین، *تاریخ نگاری در ایران*، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۲.

تسف، ولادیمیر، *چنگیزخان*، ترجمه شیرین بیانی، تهران، اساطیر، ۱۳۶۸.

توسی، خواجه نصیرالدین، *اخلاق ناصری*، تصحیح و تنقیح مجتبی مینوی و علیرضا حیدری، تهران، خوارزمی، ۱۳۴۶.

جعفریان، رسول، *اطلس شیعه*، تهران، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۸.

جو ویور، مری، *در آمدی به مسیحیت*، ترجمه حسن قنبری، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۱.

جونبی، علاءالدین عطا ملک، *تاریخ جهانگشا*، ج ۱، به سعی و اهتمام عبدالوهاب قزوینی، تهران، ارغوان، ۱۳۷۰.

جی آدلر، فیلیپ، *تمدن های عالم*، ج ۲، ترجمه محمدحسین آریانا، تهران، امیرکبیر، ۱۳۹۲.

حیبی، محسن، *از شمار تا شهر*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۷.

حضرتی، حسن، *تأملاتی در علم تاریخ و تاریخ نگاری اسلامی*، تهران، نقش جهان، ۱۳۹۴.

— *خراسان سرزمین نور*، با همکاری استانداری، سازمان برنامه و بودجه و اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری

خراسان، ۱۳۷۸.

خسروبیگی، هوشنگ، *سازمان اداری خوارزمشاهیان*، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۸.

خنجی اصفهانی، فضل الله بن روزبهان، *تاریخ عالم آرای امینی*، تصحیح محمد اکبر عشیق، تهران، میراث مکتوب، ۱۳۸۲.

خواندمیر، غیاث الدین، *تاریخ حبیب السیر*، ج ۳، زیر نظر محمد دبیر سیاقی، تهران، کتاب فروشی خیام، ۱۳۶۲.

خورشاه بن قباد الحسینی، *تاریخ ایلچی نظام شاه*، تصحیح محمدرضا نصیری و کوئیچی هانه دا، تهران، انجمن آثار و مفاخر

فرهنگی، ۱۳۷۹.

خیراندیش، عبدالرسول، *تاریخ جهان*، تهران، دفتر برنامه ریزی و تألیف کتب درسی، ۱۳۷۹.

دان، راس.ئی، و دیگران، *تاریخ تمدن و فرهنگ جهان*، ج ۲ و ۳، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، تهران، طرح نو، ۱۳۸۴.

دانش پژوه، منوچهر، *بررسی سفرنامه های دوره صفوی*، تهران، فرهنگستان هنر، ۱۳۵۸.

— *دانشنامه جهان اسلام*، ج ۶، ۷، ۱۰، ۲۰، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، تهران، بنیاد دایرةالمعارف اسلامی.

— *دائرةالمعارف بزرگ اسلامی*، ج ۱۰، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران، مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.

— *دائرةالمعارف فارسی*، ج ۱-۳، به سرپرستی غلامحسین مصاحب، تهران، شرکت سهامی کتاب های جیبی، ۱۳۸۰.

دورانت، ویلیام جیمز، *تاریخ تمدن*، ج ۵، رنسانس، ترجمه صفدر تقی زاده و ابوطالب صارمی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۳.

- دلاواله، پیترو، سفرنامه، ترجمه شجاع‌الدین شفا، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۴.
- ذکاء، یحیی و محمد حسین سمسار، آثار هنری ایران در مجموعه نخست وزیری، تهران، انتشارات مخصوص نخست‌وزیری، ۱۳۵۷.
- رشیدالدین فضل‌الله همدانی، جامع التواریخ، به کوشش بهمن کریمی، تهران، اقبال، ۱۳۶۲.
- رضاییان، فرزین، هفت رخ فرخ ایران، تهران، شرکت طلوع ابتکارات تصویری، ۱۳۸۶.
- رضوی، ابوالفضل، شهر، سیاست و اقتصاد در عهد ایلخانان، تهران، امیرکبیر، ۱۳۹۰.
- رفیعی، لیلا، سفال ایران از دوران پیش از تاریخ تا عصر حاضر، تهران، یساولی، ۱۳۷۷.
- زریاب خوئی، عباس، سیره رسول‌الله، تهران، سروش، ۱۳۷۰.
- ساماران، شارل، روش‌های پژوهش در تاریخ، ج ۱-۲، ترجمه ابوالقاسم بی‌گناه و دیگران، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۸۹.
- سانسون، سفرنامه سانسون: وضع کشور شاهنشاهی ایران در زمان شاه سلیمان صفوی، ترجمه تقی تفضلی، تهران، این سینا، ۱۳۴۶.
- سدنی دارک، تاریخ رنسانس، ترجمه احمد فرامرزی، تهران، دستان، ۱۳۷۳.
- سفرنامه و نیزیان در ایران، ترجمه منوچهر امیری، تهران، خوارزمی، ۱۳۸۱.
- سلطانزاده، حسین، مقدمه‌ای بر تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران، تهران، نشر آبی، ۱۳۶۵.
- سمرقندی، کمال‌الدین عبدالرزاق، مطلع سعدین و مجمع بحرین، به اهتمام عبدالحسین نوایی، تهران، کتابخانه طهوری، ۱۳۵۳.
- سودآور، ابوالعلا، هنر دربارهای ایران، ترجمه ناهید محمد شیرانی، تهران، کارنگ، ۱۳۸۰.
- سیوری، راجر، ایران عصر صفوی، ترجمه کامبیز عزیزی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۹۱.
- شاردن، ژان، سفرنامه، ترجمه محمد عباسی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۰.
- شبانکاره‌ای، محمدبن علی، مجمع‌الانساب، به تصحیح میرهاشم محدث، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۶.
- شهیدی، سیدجعفر، تاریخ تحلیلی اسلام تا پایان امویان، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۹۴.
- صدیقی، غلامحسین، جنبش‌های دینی ایرانی در قرن‌های دوم و سوم هجری، تهران، پازنگ، ۱۳۷۵.
- طباطبایی، سید جمال‌الدین، سکه‌های اسلامی دوره ایلخانی و گورکانی، تبریز، مؤسسه گراور و چاپ شعاع، ۱۳۴۷.
- طبری، محمدبن جریر، تاریخ طبری، ج ۳-۶، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، اساطیر، ۱۳۷۵.
- غفاری فرد، عباسقلی، تاریخ اروپا از آغاز تا پایان قرن بیستم، تهران، اطلاعات، ۱۳۹۰.
- فرای، ریچارد، و دیگران، تاریخ‌نگاری در اسلام، ترجمه یعقوب آژند، تهران، نشر گستره، ۱۳۹۴.
- فرهنگنامه کودکان و نوجوانان، (۱۶جلد)، شورای کتاب کودک، زیر نظر توران میرهادی و ایرج جهانشاهی، نشر فرهنگنامه.
- فصیحی خوافی، مجمل فصیحی، تصحیح محمود فرخ، تهران، کتابفروشی باستان، ۱۳۴۰.
- فوگل، اشپیل، تمدن مغرب زمین، ج ۱، ترجمه محمد حسین آریا، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۰.
- فیرحی، داود، قدرت، دانش و مشروعیت در اسلام (دوره میانه)، تهران، نشر نی، ۱۳۷۸.
- قفس‌اوغلی، ابراهیم، تاریخ دولت خوارزمشاهیان، ترجمه داود اصفهانیان، تهران، گستره، ۱۳۶۷.
- کاشانی، ابوالقاسم، تاریخ الجایتو، به اهتمام مهین همبلی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۸.

- کاهن، کلود، تاریخ نگاری دوره سلجوقی، ترجمه یعقوب آژند، تهران، گسترده، ۱۳۸۸.
- کسرائیان، نصراله، اصفهان، تهران، روزنه، ۱۳۷۸.
- کلوزنر، کارلا، دیوانسالاری در عهد سلجوقی (وزارت)، ترجمه یعقوب آژند، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳.
- کمپفر، انگلبرت، سفرنامه، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۳.
- کنبی، شیلا، هنر و معماری عصر صفویه، ترجمه مزدا موحد، تهران، فرهنگستان هنر، ۱۳۸۸.
- گردهمایی مکتب اصفهان (مجموعه مقالات)، ج ۱، تهران، فرهنگستان هنر، ۱۳۸۶.
- گرس، ایون، سرگذشت و سفرنامه فرستاده فرانسه در دربار شاه سلطان حسین، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران، انتشارات تهران، ۱۳۷۲.
- گروسه، رنه، امپراتوری صحرائنوردان، ترجمه عبدالحسین میکده، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸.
- گنجنامه، دفتر هفدهم، کاروانسراها، تهران، مرکز اسناد و تحقیقات دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی و انتشارات روزنه، ۱۳۸۴.
- گنجنامه، دفتر هفتم، فرهنگ آثار معماری اسلامی ایران، بخش اول، مساجد جامع، تهران، مرکز اسناد و تحقیقات دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه بهشتی و انتشارات روزنه، ۱۳۸۳.
- لوکاس، هنری، تاریخ تمدن، از کهن ترین روزگار تا سده ما، ج ۲، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، تهران، سخن، ۱۳۸۲.
- لمبتون، آن.ک، تداوم و تحول در تاریخ میانه ایران، ترجمه یعقوب آژند، تهران، نشرنی، ۱۳۷۳.
- ، مالک و زارع در ایران، ترجمه منوچهر امیری، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۵.
- لین، جورج، ایران در اوایل عهد ایلخانان، ترجمه ابوالفضل رضوی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۹۰.
- لیندبرگ، دیوید سی.، سرآغازهای علم در غرب، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۷.
- مارکوپولو، سفرنامه، ترجمه منصور سجادی، تهران، گویش، ۱۳۶۳.
- مددپور، محمد، مبانی اندیشه‌های اجتماعی غرب از رنسانس تا عصر منتسکیو، تهران، تربیت، ۱۳۷۲.
- مرتضوی، منوچهر، مسائل عهد ایلخانان، تهران، آگاه، ۱۳۷۰.
- مزاوی، میشل م.، پیدایش دولت صفوی، ترجمه یعقوب آژند، تهران، نشر گستره، ۱۳۸۸.
- مستوفی، حمدالله، تاریخ گزیده، به اهتمام عبدالحسین نوایی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۴.
- مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۱، ترجمه ابوالقاسم یابنده، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۳.
- مقریزی، تقی‌الدین احمد بن علی، الخِطَط (المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط و الآثار)، ج ۱، بولاق، ۱۲۷۰ ق.
- منز، بتاتریس فوریز، قدرت، سیاست و مذهب در ایران عهد تیموری، ترجمه جواد عباسی، مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی، ۱۳۹۰.
- مورگان، دیوید، مغول‌ها، ترجمه عباس مخبر، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۱.
- مونس، حسین، اطلس تاریخ اسلام، ترجمه آذرتاش آذرنوش، تهران، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۷۵.
- میراث اسپانیای مسلمان، ج ۱، زیر نظر سلمی خضرا جیوسی، گروه مترجمان، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۸۰.
- میرجعفری، حسین، تاریخ ایران در زمان تیموریان و ترکمانان، اصفهان، دانشگاه اصفهان، ۱۳۷۵.
- میرخواند، محمد بن خاوندشاه، روضة الصفا، ج ۵، تصحیح و تحشیه جمشید کیانفر، تهران، اساطیر، ۱۳۸۰.
- ناصر خسرو قبادیانی، سفرنامه، به اهتمام محمد دبیرسیاقی، تهران، کتابفروشی زوار، ۱۳۶۳.

- نامه‌ها و پیمان‌های سیاسی حضرت محمد (ص) و اسناد صدر اسلام، تحقیق و گردآوری محمد حمیدالله، ترجمه سید محمد حسینی، تهران، سروش، ۱۳۷۴.
- نجفی بزرگر، کریم، تحولات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره صفویه، تهران دانشگاه پیام نور، ۱۳۹۳.
- نظام‌الملک، ابوعلی حسن بن علی، سیاست‌نامه، تصحیح عباس اقبال، تهران، اساطیر، ۱۳۷۵.
- نگارگری در عهد صفویه (مجموعه مقالات نگارگری مکتب اصفهان)، به کوشش حبیب آیت‌اللهی، تهران، فرهنگستان هنر، ۱۳۹۶.
- نوبی، عبدالحسین و عباسعلی غفاری فرد، تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوران صفویه، تهران، سمت، ۱۳۸۱.
- نور بختیار، رضا و دیگران، اصفهان، تهران، خانه فرهنگ و هنر گویا، ۱۳۸۳.
- نیومن، اندرو. جی، ایران عصر صفوی، نوزایی امپراتوری ایران، ترجمه عیسی عبدی، تهران، پژوهش‌های نوین تاریخی، ۱۳۹۳.
- واکر، پل ای.، پژوهشی در یکی از امپراتوری‌های اسلامی، تاریخ فاطمیان و منابع آن، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، فرزانه، ۱۳۸۳.
- وصاف (وصاف الحضرة)، عبدالله، تاریخ و صاف، به اهتمام محمد مهدی اصفهانی، بمبئی، ۱۲۶۹ق.
- همدانی، رشیدالدین فضل‌الله، جامع التواریخ (تاریخ آل سلجوق)، تصحیح محمد روشن، تهران، میراث مکتوب، ۱۳۸۶.
- یادنامه ملاصدرا، دانشکده علوم معقول و منقول دانشگاه تهران، ۱۳۴۰.
- یزد خورشید ایران، تهران، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی - دفتر انتشارات کمک آموزشی، ۱۳۷۶.
- یعقوبی، احمد بن یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۹.
- یعقوبی، حسین، تاریخ بشر از کج بیل تا هات میل، تهران، روزنه، ۱۳۸۳.
- یوسفی فر، شهرام، جستارهایی در مناسبات شهر و شهرنشینی در دوره سلجوقیان، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۰.
- شهر و روستا در سده‌های میانه، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۰.

مقالات:

- فیرحی، داوود، «دولت - شهر پیامبر(ص)»، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۷۳ (پاییز ۱۳۸۵)، صفحه ۱۸۳-۲۳۶.

منابع انگلیسی:

The Splendour of Iran, Volume 3, London, WITITW

<https://www.en.wikipedia.org>



سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی جهت ایفای نقش خطیر خود در اجرای سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش و برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران، مشارکت معلمان را به‌عنوان یک سیاست اجرایی مهم دنبال می‌کند. برای تحقق این امر در اقدامی نوآورانه سامانه تعاملی بر خط اعتبارسنجی کتاب‌های درسی راه‌اندازی شد تا با دریافت نظرات معلمان درباره کتاب‌های درسی نونگاشت، کتاب‌های درسی را در اولین سال چاپ، با کمترین اشکال به دانش‌آموزان و معلمان ارجمند تقدیم نماید. در انجام مطلوب این فرایند، همکاران گروه تحلیل محتوای آموزشی و پرورشی استان‌ها، گروه‌های آموزشی و دبیرخانه راهبری دروس و مدیریت محترم پروژه آقای محسن باهو نقش سازنده‌ای را بر عهده داشتند. ضمن ارج نهادن به تلاش تمامی این همکاران، اسامی دبیران و هنرآموزانی که تلاش مضاعفی را در این زمینه داشته و با ارائه نظرات خود سازمان را در بهبود محتوای این کتاب یاری کرده‌اند به شرح زیر اعلام می‌شود.

اسامی دبیران و هنرآموزان شرکت‌کننده در اعتبارسنجی کتاب تاریخ ۲ - کد ۱۱۱۲۱۹

ردیف	نام و نام خانوادگی	استان محل خدمت	ردیف	نام و نام خانوادگی	استان محل خدمت
۱	مریم اکبری	مرکزی	۲۳	ملیحه توکلی	کرمان
۲	سید جلیل فانی	یزد	۲۴	بی بی نسرین خادمی	خراسان شمالی
۳	فرخنده عباسی	همدان	۲۵	امیر اکرم محمدی	کرمانشاه
۴	احمد بندکه	مرکزی	۲۶	شهین مقصودی	فارس
۵	بهزاد بهرامی	همدان	۲۷	محمود لالوی	خراسان رضوی
۶	معصومه مهرگان	سمنان	۲۸	مهدی احمدی	اصفهان
۷	محمد رضا ناظری	سمنان	۲۹	خیام علیزاده اقدم	آذربایجان شرقی
۸	طیبه شهرکی	سیستان و بلوچستان	۳۰	حسین شکرزاده	آذربایجان غربی
۹	شمسی شعبانی	کرمانشاه	۳۱	علی درزند	اردبیل
۱۰	مرجان شاهی	هرمزگان	۳۲	علی ابراهیمی	خراسان جنوبی
۱۱	فاطمه تقوایی	شهرستانهای تهران	۳۳	حسین ساسانیان	قزوین
۱۲	قاسم فتاحی	چهارمحال و بختیاری	۳۴	صغری اکبری حاجی آبادی	شهر تهران
۱۳	خلیل عینکی ملکی	آذربایجان شرقی	۳۵	بهرام شفیعی	بوشهر
۱۴	سیده آرزیتا رضوی	چهارمحال و بختیاری	۳۶	کوروش زمانی	هرمزگان
۱۵	حمیرا میرزا بیگی	کرمان	۳۷	روح اله رنجبر	فارس
۱۶	لعبا ضابط	خراسان جنوبی	۳۸	مژگان شفاعی	خوزستان
۱۷	سعید صمدی پور	شهر تهران	۳۹	ماندانا فرهمند	ایلام
۱۸	نعیمه قربانی واجار گاه	البرز	۴۰	لادن رضانی	شهرستانهای تهران
۱۹	حیدر احسانی	خراسان شمالی	۴۱	اکرم صالحی هیکویی	مازندران
۲۰	محمد لطفی	البرز	۴۲	نسرین حقی	آذربایجان غربی
۲۱	محمدناصح رضائزاد	کردستان	۴۳	بهنام علی پور	کهگیلویه و بویراحمد
۲۲	رضوان نعمتی	اصفهان	۴۴	زهرا حسن مصفا	گیلان